

درس	درس نامه و سوال	کادر آموزشی آرایه	کادر آموزشی دستور زبان فارسی
ستایش	۷	یادآوری کنایه، جناس ۲۰۹	یادآوری کاربرد «را» ۲۰۹
یکم	۱۲	یادآوری روابط معنایی میان واژگان، تشبیه ۲۱۱ / یادآوری نادر و اوج آرایه یا نغز حروف، تشخیص ۲۱۲ / یادآوری مجاز، استعاره مصرعه ۲۱۳	جملات ساده و مرکب ۲۱۴ / پیوند های هم پیوسته ۲۱۴ / تغییر معنادر افعال ۲۱۵
دوم	۲۵	یادآوری ایهام ۲۲۰، استعاره کلیمه ۲۲۰، یادآوری حس آمیزی ۲۲۱	فعل معلوم و مجهول ۲۲۲
سوم	۳۹		یادآوری ترکیب وصفی ۲۲۸ / یادآوری قید ۲۲۹
چشم	۴۸		یادآوری ترکیب اضافی ۲۳۳ / وابسته های پیشین و ثانوی ۲۳۳
ششم	۶۰	یادآوری تشبیه یا ارسال المثل ۲۳۷	نوشتار معیار - شیوه بلاغی ۲۳۸
هفتم	۷۱	یادآوری سجع ۲۴۳	
هشتم	۸۶	یادآوری استعاره مصرعه، تشمین ۲۵۰ / ایهام تناسب ۲۵۱	یادآوری ترکیب های وصفی و اضافی ۲۵۲ / نقش های تبری ۲۵۳
نهم	۹۸	تناقض ۲۵۸	
دهم	۱۱۳		
یازدهم	۱۲۲		صفت بیانی ۲۶۸
دوازدهم	۱۳۲	یادآوری حاسه ۲۷۳ / یادآوری اغراق (بزرگنمایی) ۲۷۴	وضعیت واژگان و معنای آن با در طی زمان ۲۷۴
چهاردهم	۱۴۶		گروه های اسمی ۲۷۹ / یادآوری بسته ۲۷۹
پانزدهم	۱۵۶		حذف فعل یا ثانی آن ۲۸۳
شانزدهم	۱۶۷		وابسته های پسین ۲۸۷
هجدهم	۱۷۹		یادآوری قید ۲۹۲
بجدهم	۱۸۶		یادآوری وابسته های پسین ۲۹۵ / یادآوری مضارع التزامی، یادآوری مضارع اخباری، یادآوری ماضی تعلق، یادآوری ماضی استمراری ۲۹۶ / یادآوری ماضی ساده، یادآوری ماضی بعید ۲۹۷
نمایش	۱۹۷		
تاریخ ادبیات و گونه شناسی	۲۰۱		
پانچ نامه	۲۰۸		
نگار سراسری ۹۸	۳۰۲		



تذکره

چنگ* : نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.	بی دست و پا: کنایه از ناتوان فروماندن*؛ متحیرشدن
محراب: قبله، عبادتگاه، جای ایستادن پیش‌نماز	صنع: ساختن، آفرینش، احسان و نیکویی
دَغَل* : ناراست، حيله‌گر	درویش: فقیر، بی‌نوا، گوشه‌نشین
شَل* : دست و پای از کار افتاده	شوریده‌رنگ* : آشفته‌حال، [رنگ‌پریده] <sup>۱</sup>
وامانده: باقی‌مانده، پس‌مانده	شغال* : جانور پستانداری است از تیرهٔ سگان که جزو رستهٔ گوشت‌خواران است.
بخشایش: عفو، رقت و رحم	تیره: رسته، صنف، رده
گرم: جوانمردی، بزرگواری، جود	نگون‌بخت: بدبخت، بداقبال
دون‌همت* : کوتاه‌همت، دارای طبع پست، کوتاه‌اندیشه، [بی‌اراده]	قوت* : رزق روزانه، خوراک، غذا [قوت: توان، نیرو، توانایی]
دون: پایین، پست، فرومایه	یقین: ایمان قلبی، بصیرت و مشاهده
سرای: منزل، خانه	بیننده: بینا، بصیر
بوستان: باغ، گلزار	دیده: چشم
معیار: مقیاس، ابزار سنجش	شد: رفت
قرض: وام (قرض: هدف، مقصود)	مور: مورچه
بی‌حد: بی‌اندازه	پیل: فیل
تافت: تأیید	رَنَخدان* : چانه
نام و ننگ: آبرو و اعتبار	جیب* : گریبان، یقه
عار: ننگ و عیب	غیب* : پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند.
تفرّج: گردش، سیر، گشادگی خاطر	تیمار: غم، خدمت، محافظت، فکر، تعهد؛ تیمارخوردن: غمخواری، پرستاری، مراقبت
شام: آغاز شب	
ضایع: تباه، تلف	

کلمات هم‌ریشه‌ها و مترادف‌ها

ضایع و تباه (ضایع هم‌ریشه با تضییع)	تیمار و محافظت	لطف و صنّع (صنّع هم‌ریشه با صانع)
ترادف و تضمّن (تضمّن هم‌ریشه با ضمن، مضمون، متضمّن)	محراب و قبله	(= آفریننده)، مصنوع (= ساخته‌شده)، تصنع (= ساختن و آراستن)، صنعت، تصّعی)
حمیّت و غیرت	دَغَل و حيله‌گر	رزق و قوت (رزق هم‌ریشه با رازق، مرزوق، رزّاق، ارتزاق)
طبع و فطرت (طبع هم‌ریشه با طبیعت، مطبوع، طباع، طبایع)	قرض و حاجت (قرض هم‌ریشه با مقروض، استقراض)	جیب و زرخدان
متحیر و مبهوت (متحیر هم‌ریشه با حیرت، تحیر، حیران)	اغلب و غالب (غالب هم‌ریشه با کلمات غلبه، مغلوب)	غیب و نهان (غیب هم‌ریشه با غایب، غیوب، غیبت)
	سیر و تفرّج	

۱. برخی معانی داخل قلاب آمده است. این معانی در واژه‌نامهٔ انتهای کتاب درسی نیامده است و ما خودمان، آن‌ها را به معانی مندرج در کتاب درسی افزوده‌ایم.

فهرست کلمات فارسی ۱۲ واژه‌نامه درسی نیکویی

بیت / عبارت	معنی، مفهوم و آرایه‌های ادبی
یکی روبه‌پی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای	<b>مفهوم:</b> لطف خداوند شامل حال ناتوان هم می‌شود. <b>آرایه:</b> تناسب: دست و پای
که چون زندگانی به سر می‌برد؟ بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟	<b>مفهوم:</b> خدا روزی ناتوانان را هم می‌رساند. <b>آرایه:</b> تناسب: دست و پای / کنایه: به‌سر بردن ← گذراندن
در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ	<b>آرایه:</b> کنایه: شوریده‌رنگ ← آشفته‌حال / تناسب: شیر و شغال / جناس ناهمسان: رنگ و چنگ / واج‌آرایی: صامت / ش /
شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آن‌چه، روباه از آن سیر خورد	<b>مفهوم:</b> بهره‌مند شدن ناتوانان از باقی‌مانده سفره قدرتمندان <b>آرایه:</b> کنایه: نگون‌بخت ← بیچاره، بدبخت و بداقبال / تناسب: شغال، شیر و روباه / جناس ناهمسان: شیر و سیر
دگر روز باز ائتفاق اوفتاد که روزی‌رسان، قوت روزش بداد	<b>مفهوم:</b> روزی‌رسانی خداوند <b>آرایه:</b> تکرار: روز / کنایه: روزی‌رسان ← خداوند / جناس ناهمسان: روز و روزی / واج‌آرایی: صامت / ز /
یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد	<b>معنی:</b> یقین و ایمان به خداوند، مرد را آگاه کرد؛ رفت و به خدا توکل کرد. <b>مفهوم:</b> یقین پیدا کردن شد و تکیه بر آفریننده کرد <b>آرایه:</b> کنایه: دیده را بیننده کردن ← آگاه و صاحب بصیرت کردن - تکیه بر آفریننده کردن ← توکل کردن بر خداوند / تناسب: دیده و بیننده
کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور	<b>مفهوم:</b> بی‌تأثیر بودن زورمندی در میزان روزی (مقدربودن روزی) / تکیه کردن بر روزی‌رسانی خداوند <b>آرایه:</b> تشبیه: من به مور / جناس ناهمسان: مور و زور / تضاد: مور و پیل / نماد: مور ← ضعیفی و بی‌آزاری - پیل ← قدرتمندی و زورآوری
زَنخندان فروبرد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب	<b>مفهوم:</b> تکیه کردن بر روزی‌رسانی خداوند و ترک تلاش و کوشش <b>آرایه:</b> کنایه: زَنخندان به جیب فروبردن ← در تأمل و تفکر فرورفتن، در این‌جا کوشش نکردن و نشستن / جناس ناهمسان: جیب و غیب / کنایه: بخشنده ← خداوند
نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست	<b>معنی:</b> هیچ‌کس از غریب و آشنا به فکر او نبود و او مثل ساز چنگ، لاغر و نحیف شد. <b>مفهوم:</b> یاری‌ندیدن از دیگران و ضعیف و ناتوان شدن <b>آرایه:</b> تضاد: بیگانه و دوست / تشبیه: درویش به ساز چنگ / جناس ناهمسان: دوست و پوست / تناسب: رگ، استخوان و پوست / ایهام تناسب: چنگ ← ۱- نوعی ساز (ق ق) ۲- پنجه (غ ق ق؛ متناسب با رگ و استخوان و پوست)
چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش	<b>مفهوم:</b> تمام‌شدن صبر در اثر شدت ضعف و ناتوانی <b>آرایه:</b> جناس ناهمسان: هوش و گوش
برو شیر دژنده باش، ای دَغَل مَیَن‌داز خود را چو روباه شل	<b>مفهوم:</b> تکیه کردن بر زور بازو و تلاش و اراده خود <b>آرایه:</b> تشبیه: تو به شیر دژنده - تو به روباه شل / تضاد: روباه و شیر / نماد: شیر ← افراد کوشا و تلاشگر - روباه شل ← افراد طُفیلی، تنبل و وابسته / کنایه: خود را انداختن ← خود را ناتوان و وامانده نشان دادن
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روئنه به وامانده، سیر؟	<b>مفهوم:</b> توصیه به اطعام دیگران نه ریزه‌خواری ایشان <b>آرایه:</b> جناس ناهمسان: شیر و سیر / تشبیه: تو به شیر - تو به روباه / تضاد: روباه و شیر / واج‌آرایی: صامت / چ / استفهام انکاری: چه باشی چو روئنه به وامانده سیر؟ ← مانند روباه به بازمانده غذای دیگران وابسته نباش.
بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش	<b>معنی:</b> از قدرت و توان خود استفاده کن، زیرا که از حاصل تلاش خود بهره‌مند می‌شوی. <b>مفهوم:</b> تکیه کردن بر زور بازو و تلاش و اراده خود <b>آرایه:</b> مجاز: بازو ← توان، قدرت و دست‌رنج / تلمیح: مصراع دوم ← به آیه ۳۹ سوره «نجم» اشاره دارد: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و این‌که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. / کنایه: سعیت بود در ترازوی خویش ← حاصل تلاش خودت را خواهی دید.
بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر	<b>مفهوم:</b> توصیه به گرفتن دست دیگران، نه باری بر دوش آنان بودن <b>آرایه:</b> کنایه: دست گرفتن ← کمک کردن - خود را افکندن ← اظهار ناتوانی و درماندگی کردن / تضاد: جوان و پیر / تکرار: دست، بگیر

بیت / عبارت	معنی، مفهوم و آرایه‌های ادبی
خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است	<b>مفهوم:</b> خدا کسی را که به مردم خیر می‌رساند، مورد رحمت قرار می‌دهد. <b>آرایه:</b> واج‌آرایی: صامت / ش /
گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون‌هم‌تانند بی مغز و پوست	<b>معنی:</b> انسان عاقل و خردمند بخشنده است، زیرا انسان‌های پست و فرومایه عقل و خردی ندارند و فقط ظاهر انسانی دارند. <b>مفهوم:</b> انسان عاقل و خردمند، بخشنده است. / فرومایگی نشان بی‌خردی است. <b>آرایه:</b> جناس: سر و در (ناهمسان) - اوست و پوست (جناس ناهمسان) / تضاد: مغز و پوست / مجاز: سر ← انسان - مغز ← قدرت تفکر و اندیشه / تناسب: سر و مغز
کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای	<b>مفهوم:</b> کسی نیکی می‌بیند که به مردم خیر می‌رساند. <b>آرایه:</b> مجاز: سرای ← جهان
معیار دوستان دغل روز حاجت است قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب	<b>مفهوم:</b> معیار دوستی، روزگار سختی است. <b>آرایه:</b> تکرار: دوستان
صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب	<b>مفهوم:</b> جمال خداوند در آینه دل تجلی می‌کند. <b>آرایه:</b> متناقض‌نما: صورت بی‌صورت / تلمیح ← به معجزه حضرت موسی (ع) که دست در گریبان می‌برد و آن را نورانی بیرون می‌آورد. / جناس ناهمسان: غیب و جیب / اضافه تشبیهی: آینه دل
فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار	<b>مفهوم:</b> افتخار و شرافتی که از جانب انسان پست برسد مایه ننگ است. <b>آرایه:</b> تضاد: فخر و عار / تناسب: نام و ننگ (= اعتبار و آبرو) / جناس ناهمسان: عار و دار
گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد	<b>مفهوم:</b> گریه و زاری عاشق روزی به نتیجه خواهد رسید (صبرکردن بر سختی‌ها کلید کامیابی است). <b>آرایه:</b> تضاد: شام و سحر / استعاره (مصرحه): قطره باران ← اشک / کنایه: یکدانه ← بارزش و قیمتی
منزل حافظ کنون بارگه پادشاست دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد	<b>مفهوم:</b> شادی وصال <b>آرایه:</b> کنایه: دلدار و جانانه ← معشوق / تکرار: بر
با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست	<b>مفهوم:</b> نصیحت‌ناپذیری عاشق <b>آرایه:</b> جناس همسان: چنگ (نوعی ساز) و چنگ (بخشی از دست) / کنایه: دل در چنگ نبودن ← عاشق و شیفته بودن، مست و مدهوش و از خود بی‌خود بودن / تضاد: است و نیست / تناسب: گوش، دل و چنگ / مجاز: چنگ ← اختیار
رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جستن از درها	<b>معنی:</b> روزی مقدر است ولی تلاش برای کسب روزی شرط عقل است. <b>مفهوم:</b> توصیه به تلاش برای کسب روزی <b>آرایه:</b> کنایه: از درها جستن ← جست‌وجو و تلاش برای کسب روزی
سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته‌جانی به گوش ارغوان آهسته‌گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی	<b>مفهوم:</b> ستودن کسانی که به فکر دیگران هستند. <b>آرایه:</b> کنایه: خسته‌جان ← کنایه از افسرده و غمگین - سرکشیدن ← بالا رفتن / تشخیص: (سرکشیدن) درخت ارغوان - گوش (ارغوان)
چه در کار و چه در کارآزمودن نباید جز به خود، محتاج‌بودن	<b>مفهوم:</b> تکیه کردن بر وجود و داشته‌های خود <b>آرایه:</b> تکرار: چه، کار
موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته.	<b>آرایه:</b> سجع: بسته و برداشته / کنایه: کمر بستن ← عزم کردن / تناسب: مور و ملخ
مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.	<b>مفهوم:</b> برتر دانستن همت و غیرت بر نیروی بدنی <b>آرایه:</b> تشخیص: (بازوی) حمیت

کلمات مهم

**دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی‌رسان، قوت روزش بداد**  
 «که» در آغاز مصراع دوم، پیوند وابسته‌ساز است و جمله «روزی‌رسان، قوت روزش بداد» یک جمله وابسته است.  
**یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد**  
 این بیت از سه جمله ساده تشکیل شده است. «او» در مصراع دوم هم‌پایه‌ساز است که بین دو جمله ساده آمده است.

۱. در درس نهم با این آرایه آشنا می‌شوید.



کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای  
این بیت، یک جمله مرکب است؛ مصراع اول جمله «هسته» است و مصراع دوم جمله وابسته. «که» در آغاز مصراع دوم، پیوند وابسته‌ساز است.

یکی روبه‌هی دید بی دست و پای فرروماند در لطف و صنع خدای  
معنی واژه «دست» را در این بیت از طریق رابطه معنایی «تناسب» با «پا» می‌فهمیم.

در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ  
معنی واژه «شیر» را در این بیت از طریق رابطه «تناسب» با «شغال» می‌فهمیم.

شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آن‌چه روباه از آن سیر خورد  
معنی واژه «سیر» را در این بیت از طریق قرارگرفتن آن در جمله می‌فهمیم.

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد  
فعل «شد» در این بیت در معنی اسنادی به کار رفته است.

یقین مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد  
منزل حافظ کنون، بارگه پادشاست دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد  
فعل «شد» در این دو بیت در معنی «رفت» است.

### تذکره

۲۵- در کدام گزینه واژه مشخص شده نادرست معنا شده است؟

- (۱) یکی روبه‌هی دید بی دست و پای: ناتوان  
(۲) در این بود درویش شوریده‌رنگ: خرسند  
(۳) شغال نگون‌بخت را شیر خورد: بداقبال  
(۴) که دهن‌هم‌تاند بی مغز و پوست: دارای طبع پست

۲۶- معنای صحیح واژه‌های «دغل، صنغ، جیب، تیمار» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) حيله، ساختن، پیراهن، محافظت  
(۲) ناراست، آفریننده، یقه، تعهد  
(۳) مگاره، آفرینش، گریبان، غم  
(۴) حيله‌گر، احسان، آستین، اندیشه

۲۷- در بیت ..... کلمه مشخص شده نادرست معنا شده است.

- (۱) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر  
(۲) یکی روبه‌هی دید بی دست و پای  
(۳) یقین مرد را دیده بیننده کرد  
(۴) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت  
(۱) چه باشی چو روبه به وامانده سیر (پس‌مانده)  
(۲) فرروماند در لطف و صنع خدای (متحیر شد)  
(۳) شد و تکیه بر آفریننده کرد (سپری شد)  
(۴) قطره باران ما گوهر یکدانه شد (بی‌نظیر)

۲۸- واژه‌های «دون، قوت، زرخدان، تفرج» به ترتیب، یعنی: .....

- (۱) فرومایه، خوراک، چانه، گردش  
(۲) کوتاه، غذا، گردن، سیر  
(۳) پست، خوردنی، چانه، پراکندگی  
(۴) خسیس، توانایی، چانه، گشایش‌یافتن

۲۹- معنای همه واژه‌ها در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... درست است.

- (۱) شل، یقین، مبهم: دست و پای از کار افتاده، ایمان قلبی، پوشیده  
(۲) شوریده، غیب، گران: آشفته، نهان از چشم، سنگین  
(۳) بی‌حد، عار، درویش: بی‌اندازه، ننگ، فقیر  
(۴) گرم، حمیت، جانان: بزرگواری، اراده، معشوق

۳۰- در کدام گزینه معنای همه واژگان صحیح است؟

- (۱) (سرای: منزل)، (دیده: چشم)، (فرض: مقصود)، (لطف: نیکویی)  
(۲) (تافتن: تابیدن)، (رزق: روزی)، (ضایع: تباه)، (دلدار: عاشق)  
(۳) (معیار: ابزار سنجش)، (تیمار خوردن: غمخواری)، (فخر: نازیدن)، (شام: آغاز شب)  
(۴) (بخشایش: درگذشتن از جرم و گناه کسی)، (بارگه: خیمه)، (عمل: آرزو)، (ممت: احسان)

۳۱- رابطه معنایی نوشته شده در مقابل همه گزینه‌ها به استثنای گزینه ..... تماماً درست است.

- (۱) فخر و عار، شام و سحر، نفع و ضرر ← (تضاد)  
(۲) دلدار و جانانه، رزق و قوت، عاجز و شل ← (ترادف)  
(۳) شیر و شغال، مه و خورشید، دست و پا ← (تناسب)  
(۴) خورشید و فلک، جیب و زرخدان، سیر و گیاه ← (تضمن)

۳۲- معنای چند واژه از میان واژه‌های زیر، درست است؟

(خسته‌جان: دل‌تنگ) - (ارغوان: نام درختی با گل‌های سرخ) - (حکمت: دانایی) - (صورت: باطن) - (نام و ننگ: بی‌اعتبار بودن) - (بوستان: باغ) - (محراب: قبله) - (چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد) - (صائب: درست) - (خلق: آفریننده) - (شغال: جانوری از

تیره سگان که جزو رسته گوشت‌خواران است) - (کمر بستن: اهتمام‌ورزیدن)

(۱) نه (۲) هشت (۳) ده (۴) هفت

۳۳- رابطه معنایی بین «سیاره» و «زمین» چه نوع رابطه معنایی است؟

(۱) ترادف (۲) تناسب (۳) تضاد (۴) تضمّن

۳۴- بین کدام دو واژه رابطه معنایی «تضمّن» برقرار است؟

(۱) ماه و خورشید (۲) حشره و مورچه (۳) حیوان و علف (۴) خورشید و زحل

۳۵- بین گروه‌واژه‌های «نوشیدنی و چای» و «سیر و گرسنه» به ترتیب کدام رابطه‌های معنایی وجود دارد؟

(۱) ترادف - تضمّن (۲) تضمّن - تناسب (۳) تناسب - تضاد (۴) تضمّن - تضاد

۳۶- معنی واژه مشخص شده در بیت زیر براساس کدام رابطه معنایی کشف می‌شود؟

«برو شیر درنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل»

(۱) ترادف (۲) تضمّن (۳) تناسب (۴) تضاد

۳۷- در کدام گزینه معنی واژه مشخص شده براساس رابطه معنایی «تناسب» مشخص نمی‌شود؟

(۱) بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟ (۲) بماند آن چه روباه از آن سیر خورد

(۳) شغال نگون بخت را شیر خورد (۴) یکی روبه‌ی دید بی دست و پای

۳۸- واژه «ماه» در کدام گزینه معنایی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

(۱) نبی آفتاب و صحابان<sup>۱</sup> چو ماه (۲) چو سرو سهی قد و چون ماه روی

(۳) بناها کشیدند سر تا به ماه (۴) مکن که می‌نخوری بر جمال گل یک ماه

۳۹- با توجه به بیت «آن دست بر تضرّع و این روی بر زمین / آن چشم بر اشارت و این گوش بر ندا» معنی واژه «روی» از طریق کدام رابطه معنایی مشخص می‌شود؟

(۱) ترادف (۲) تضمّن (۳) تناسب (۴) تضاد

۴۰- معنی واژه «تُند» در بیت «اگر ز کین تو دندان خصم گنده شود / عجب نباشد از آن عزم تُند و خنجر تیز» با توجه به کدام رابطه معنایی مشخص می‌شود؟

(۱) ترادف (۲) تضمّن (۳) تناسب (۴) تضاد

۴۱- در کدام بیت غلط املائی دیده می‌شود؟

(۱) صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب (۲) ای فروغ ماه حُسن از روی رخشان شما

(۳) از علی آموز اخلاص عمل (۴) از آن بی‌حمیت نباید گریخت

(۴) از آن بی‌حمیت نباید گریخت

که نامردپیش آب مردان بریخت

۴۲- در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟

«اگر زمین نبود، بدر ضایع بودی، اگر استاد ناصح نبود، علم و حکمت در شمار تعلیم نیامدی ... و اگر ایزد مرا به قدرت و سَنع خود در وجود نیاوردی و به قوت‌های ظاهر و باطن، بنیۀ مرا مستحکم نکردی، این همه الطاف را وجود ممکن نگشتی؛ پس مَتّ یزدان پاک راست

که به کمال قدرت صورت کرد و حکمت بخشید.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۳- در کدام عبارت غلط املائی یافت می‌شود؟

(۱) مرا که حُسن ظنّ همگان در حقّ من به کمال است و من در عین نقصان، روا باشد اندیشه‌بردن و تیمار خوردن.

(۲) اهل مروّت حقّ نعمت خداوندی بگزارند و ادای غرض و دین خود واجب شناسند.

(۳) شیخ گفت: ما آن همه علم‌ها و طلب‌ها فرو گذاشتیم و در کنج خانه شدیم، در محراب آن زاویه هفت سال بنشستیم و گفتیم: الله، الله.

(۴) هر که مقدار قوت و طعام نشناسد و چندان خورد که معده از هضم آن عاجز آید، او را دشمن خود باید شمرد.

۴۴- در میان گروه کلمات زیر، املاي چند کلمه نادرست است؟

«دون همتان - شیر و شغال - شام و سحر - معیار و ترازو - قوت و رذق - درخت ارغوان - یقین دل - جناس همسان - سرای و منزل -

ضعیف و عاجز»

(۱) چهار (۲) دو (۳) سه (۴) یک

۴۵- در کدام گروه کلمات غلط رسم الخطی یافت می شود؟

- (۱) حاتم طایی - فخر و عار - نثر روان - تفرج و گردش  
(۲) ضایع و تباه - تافتن نور - صائب و اوحدی - زنجیره سخن  
(۳) تضاد و ترادف - صورت بی صورت - به سر بردن زنده گانی - تیمار و اندوه  
(۴) غیب و نهان - صفت مبهم - حادثه و اتفاق - طلب قرض

### آرایه های ادبی

۴۶- در کدام گزینه «کنایه» به کار رفته است؟

- (۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش  
(۲) کسی نیک بیند به هر دو سرای  
(۳) بگير ای جوان دست درویش پير  
(۴) خدا را بر آن بنده بخشایش است

۴۷- در بیت «در این بود درویش شوریده رنگ / که شیری برآمد شغالی به چنگ» کدام آرایه ادبی به کار رفته است؟

(۱) کنایه (۲) مراعات نظیر (۳) جناس (۴) تشخیص

۴۸- در کدام گزینه آرایه «جناس» وجود ندارد؟

- (۱) شغال نگون بخت را شیر خورد  
(۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور  
(۳) خدا را بر آن بنده بخشایش است  
(۴) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»

(۱) جناس همسان (۲) کنایه (۳) تضاد (۴) حس آمیزی

۵۰- در کدام بیت «تشبیه» به کار رفته است؟

- (۱) که چون زندگانی به سر می برد؟  
(۲) برو شیر دژنده باش ای دغل  
(۳) کسی نیک بیند به هر دو سرای  
(۴) زنخندان فروبرد چندی به جیب

۵۱- «وجه شبه» تشبیه مصرع دوم بیت زیر چیست؟

«چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

(۱) چو (۲) وامانده (۳) روبه (۴) به وامانده سیر

۵۲- با توجه به بیت زیر، «مشبّه به» در کدام گزینه آمده است؟

«نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

(۱) رگ و استخوان (۲) چنگ (۳) «ش» در چنگش (۴) پوست

۵۳- هر دو ترکیب در کدام گزینه «اضافه تشبیهی» است؟

- (۱) دریای ظلمت - طوفان نوح  
(۲) دست اندوه - طوفان بلا  
(۳) دیو تعصب - فرعون تکبر  
(۴) دندان مرگ - فناری زیبا

۵۴- در بیت «صورت بی صورت بی حدّ غیب / ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب» کدام ارکان «تشبیه» وجود دارد؟

- (۱) مشبّه - مشبّه به  
(۲) مشبّه - وجه شبه  
(۳) وجه شبه - ادات تشبیه  
(۴) ادات تشبیه - مشبّه به

۵۵- با توجه به شعر «نیکی» که از بوستان خواندید، «شیر» و «روباه» به ترتیب نماد چه کسانی هستند؟

- (۱) انسان های وحشی صفت - انسان های ضعیف  
(۲) انسان های بخشنده - انسان های گناهکار  
(۳) انسان های تلاشگر - انسان های وابسته و طفیلی  
(۴) انسان های وحشی صفت - انسان های مکار

۵۶- آرایه درج شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) خدا را بر آن بنده بخشایش است<br/>                 ۲) فخری که از وسیلت دون همّتی رسد<br/>                 ۳) یقین مرد را دیده بیننده کرد<br/>                 ۴) رزق هر چند بی گمان برسد</p> | <p>که خلق از وجودش در آسایش است (واج آرایه)<br/>                 گر نام و ننگ داری از آن فخر، عار دار (تضاد)<br/>                 شد و تکیه بر آفریننده کرد (تشبیه)<br/>                 شرط عقل است جستن از درها (کنایه)</p> |
|---|---|

۵۷- آرایه های «جناس، تشبیه و تضاد» در کدام بیت به کار رفته است؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱) کزین پس به کنجی نشینم چو مور<br/>                 ۲) برو شیر دژنده باش ای دغل<br/>                 ۳) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست<br/>                 ۴) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر</p> | <p>که روزی نخوردند پیلان به زور<br/>                 مینداز خود را چو روباه شل<br/>                 چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست<br/>                 چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟</p> |
|---|--|

۵۸- در بیت «زندان فرورد چندی به جیب / که بخشنده، روزی فرستد ز غیب» کدام دو آرایه به کار رفته است؟

- |   |
|---|
| <p>۱) جناس - کنایه<br/>                 ۲) تشبیه - جناس<br/>                 ۳) استعاره - کنایه<br/>                 ۴) نماد - حس آمیزی</p> |
|---|

۵۹- آرایه نوشته شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می دهی<br/>                 ۲) یقین مرد را دیده بیننده کرد<br/>                 ۳) به گوش ارغوان آهسته گفتم<br/>                 ۴) هر که نان از عمل خویش خورد</p> | <p>کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست (جناس همسان)<br/>                 شد و تکیه بر آفریننده کرد (واج آرایه)<br/>                 بهارت خوش که فکر دیگرانی (تشخیص)<br/>                 منت حاتم طایبی نبزد (تشبیه)</p> |
|--|--|

۶۰- آرایه های کدام گزینه تماماً درباره بیت زیر صحیح است؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>۱) مجاز - کنایه - تشخیص<br/>                 ۲) به پیری گر نمی خواهی که محتاج عصا گردی<br/>                 ۳) تضاد - کنایه - تشبیه</p> | <p>ز پا افتادگان را در جوانی دستگیری کن<br/>                 ۲) تشبیه - کنایه - تضاد<br/>                 ۴) تضاد - کنایه - مراعات نظیر</p> |
|--|---|

۶۱- در کدام گزینه «جناس همسان» به کار رفته است؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱) مشنو که گر از هر دو جهان روی بتابم<br/>                 ۲) صبح دم در باغ اگر دستت دهد<br/>                 ۳) آن خسرو مهرویان شیرین شکری دارد<br/>                 ۴) شرم از آن چشم سیه بادش و مژگان دراز</p> | <p>مقصود من از هر دو جهان روی تو نبود<br/>                 خوش برآ چون سرو و طرف جوی، جوی<br/>                 شیرین شکری دارد آن خسرو مهرویان<br/>                 هر که دل بردن او دید و در انکار من است</p> |
|---|--|

۶۲- کدام گزینه به آرایه «جناس همسان» آراسته است؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱) چو می سوزیم و می سازیم همچون عود در چنگت<br/>                 ۲) دل گرمی پروانه ده ای شمع که در عشق<br/>                 ۳) زلف سیه گشوده که این قلب عقرب است<br/>                 ۴) گر چنگ و سرانگشت تو ناهید ببیند</p> | <p>چرا ای مطرب مجلس دمی با ما نمی سازی<br/>                 امروز به جان بازی پروانه کسی نیست<br/>                 روی چو مه نموده که این مهر انور است<br/>                 نقش سر انگشت تو بر چنگ نگارد</p> |
|---|--|

۶۳- آرایه های درج شده در مقابل کدام گزینه کاملاً درست است؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱) تا کی این باد کبر و آتش خشم<br/>                 ۲) زان یار دلنوازم شکری است با شکایت<br/>                 ۳) به هیچ زاهد ظاهرپرست نگذشتم<br/>                 ۴) طرب سرای وزیر است ساقیا مگذار</p> | <p>شرم بسادات که قطره آبی (جناس تام - تضاد)<br/>                 گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت (واج آرایه - تشبیه)<br/>                 که زیر خرقه نه زئار داشت پنهانی (جناس - تضاد)<br/>                 که غیر جام می آن جا کند گران جانی (مراعات نظیر - مجاز)</p> |
|---|--|

۶۴- آرایه های «تضاد، جناس، مجاز و تشبیه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>الف) آب رو ریخته ایم از پی یک جرعه شراب<br/>                 ب) گنج معنی که طلسم است جهان بر راهش<br/>                 ج) گرچه در مذهب ما کعبه و بتخانه یکی است<br/>                 د) تا بر در سرای شما سر نهاده ایم</p> | <p>گرچه کوثر نمی از جرعه پیمانۀ ماست<br/>                 چون به معنی نگری این دل ویرانۀ ماست<br/>                 «خواجو» از کعبه برون آی که بتخانۀ ماست<br/>                 اقبال، بنده در دولت سرای ماست</p> |
|---|--|

- |   |
|---|
| <p>۱) ب - ج - الف - د<br/>                 ۲) ج - الف - ب - د<br/>                 ۳) ج - د - الف - ب<br/>                 ۴) ب - الف - ج - د</p> |
|---|



۶۵- در کدام گزینه هر دو آرایه «جناس همسان و جناس ناهمسان» به کار رفته است؟

- (۱) چو روی دوستان باغ است و بستان  
(۲) آن که گیسوی تو را رسم تناول ( = ظلم) آموخت  
(۳) شرف مرد به جود است و کرامت به سجود  
(۴) یاقوت روان بخش تو تا قوت روان است
- به روی دوستان بین بوستان را  
هم تواند گزمش داد من مسکین داد  
هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود  
چشم ز غمت، چشمه یاقوت روان است



۶۶- در کدام گزینه «جمله ساده» وجود دارد؟

- (۱) این قانونی فراگیر است که هیچ کس نمی تواند بر آن چیره شود.  
(۲) کارگران راه آهن با لباس های تمیز به گردش روز جمعه خود می آمدند.  
(۳) اگر اصل تغییر را در زندگی بپذیریم، به دنبال ماندگار کردن داشته های خود نخواهیم بود.  
(۴) چون به فرودگاه مرکزی رسیدم، سراسیمه به فکر پیدا کردن شماره پرواز بودم.

۶۷- کدام گزینه فاقد «جمله مرکب» است؟

- (۱) قصد آن ندارم که قصیده ای ملالت بار بسرایم.  
(۲) آرزو می کنم جایی در بیرون بندها سخن بگویم.  
(۳) انسان هوشیار دمامد در حال بیدار شدن است و به بیدار شدن در هنگام طلوع اکتفا نمی کند.  
(۴) وقتی حرفی برای گفتن نداشتم با زدن پارو بر کنار قایق، صدا تولید می کردم.

۶۸- در کدام گزینه «جمله مرکب» وجود دارد؟

- (۱) او شاعری کهن نیست، اما فاصله زیادی با افکار من دارد.  
(۲) تا اولین روستا، بیش از ده کیلومتر مانده بود.  
(۳) او در روستای کوچکی به دنیا آمد، ولی استاد بزرگ ترین دانشگاه کشورش شد.  
(۴) آن قدر در زیر بار مشکلات خم نشد، تا یک روز ناباورانه شکست.

۶۹- کدام گزینه فاقد «جمله ساده» است؟

- (۱) شب به پایان رود و شرح به پایان نرود  
(۲) عافیت خواهی، نظر در منظر خوبان مکن  
(۳) شکر خوش است ولیکن حلاوتش تو ندانی  
(۴) عقل را با عشق زور پنجه نیست

۷۰- در کدام گزینه «واو» هم پایه ساز آمده است؟

- (۱) ای شده شیفته گیتی و دورانش  
(۲) گفت و گوهاست به هر کوی ز تاراجش  
(۳) از کمال و هنر جان، تو شوی کامل  
(۴) جهل چون شب پره و علم چو خورشید است
- دهر دریاست، بیندیش ز طوفانش  
داستان هاست به هر گوشه ز دستانش  
عیب و نقص تو شود پستی و نقصانش  
نکنند هیچ جز این نور، گریزانش

۷۱- در کدام گزینه «جمله وابسته» وجود ندارد؟

- (۱) برو شیر دژنده باش ای دغل  
(۲) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر  
(۳) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش  
(۴) بخور تا توانی به بازوی خویش
- مینداز خود را چو روباه شل  
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟  
ز دیوار محرابش آمد به گوش  
که سعیت بود در ترازوی خویش

۷۲- کدام گزینه با «جمله هسته» شروع شده است؟

- (۱) برق نوروزی گر آتش می زند در شاخسار  
(۲) چو پرده دار به شمشیر می زند همه را  
(۳) چون گل و می دمی از پرده برون آی و درآ  
(۴) چون صبا گفته حافظ بشنید از بلبل
- ور گل افشان می کند در بوستان، آسوده ایم  
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند  
که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد  
عنبرافشان به تماشای ریاحین آمد

۷۳- در کدام گزینه هر دو پیوند «هم پایه ساز» و «وابسته ساز» وجود دارد؟

- (۱) روز پرسش که به یک دژه بود گفت و شنید  
(۲) از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی  
(۳) شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود  
(۴) بسوخت این دل خام و به کام دل نرسید
- عاشقان را نبود جز ز دهان تو جواب  
از ازل تا به ابد فرصت درویشان است  
نرگس او که طیب دل بیمار من است  
به کام اگر برسیدی، نریختی خوناب

۷۴- با توجه به عبارت زیر کدام گزینه نادرست است؟

«در این کشور معمارانی هستند و من شنیده‌ام که دست کم یکی از آنان، انگار از روی الهام، وسوسه شده تا هسته‌ای از حقیقت یا ضرورت

را در تزئینات معماری بگنجانند و به زیبایی دست یابد.»

(۱) در این عبارت سه پیوند هم‌پایه‌ساز به کار رفته است.

(۳) دومین جمله عبارت، هسته است.

(۲) در این عبارت دو پیوند وابسته‌ساز وجود دارد.

(۴) جمله پایانی، وابسته است.

۷۵- توضیح نوشته‌شده در برابر کدام گزینه نادرست است؟

(۱) چشم اگر با دوست داری گوش با دشمن نکن

(۲) مثال عاشق و معشوق، شمع و پروانه است

(۳) گویند از او حذر کن و راه گریز گیر

(۴) چاره بعد از تو نداریم به‌جز تنهایی

تیرباران قضا را جز رضا جوشن مکن (جمله هسته)

سر هلاک نـداری مـگرد پیرامون (جمله وابسته)

گویم کجا روم که ندانم گریزگاه (جمله وابسته)

دیگری نیست که مهر تو در او شاید بست (جمله هسته)

۷۶- معنای فعل «شد» در کدام گزینه همانند معنای آن در بیت زیر است؟

«گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت

(۱) دستم نداد قوت رفتن به پیش دوست

(۲) گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت

(۳) آن مرغ طرب که نام او بود شَباب (= جوانی)

(۴) تنهانه من به دانهٔ خالت مقیدم

قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد»

چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم

که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

افسوس ندانم که کی آمد کی شد

این دانه هر که دید گرفتار دام شد

۷۷- معنی فعل «شد» در بیت زیر با معنی همهٔ ابیات به‌جز گزینهٔ ..... یکسان است.

«منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

(۱) رقص از سر ما بیرون امروز خواهد شد

(۲) بر این گفتم آن دوست دشمن گرفت

(۳) برو ای عقل از عاشق مجو رای خردمندی

(۴) همیشه در دل من هر کس آمدی و شدی

دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد»

کاین مطرب ما یک دم خاموش نمی‌باشد

چو آتش شد از خشم و در من گرفت

که عشقش در درون آمد، ز خلوت عقل بیرون شد

تو برگذشتی و نگذشت بعد از آن دیار (= آفریده)

۷۸- معنی فعل «شد» در بیت زیر، با معنی کدام گزینه یکسان است؟

«منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

(۱) مَلِک را یکی عطسه آمد ز دود

(۲) بلندی از آن یافت کاو پست شد

(۳) چو بهمن به زاوُلِستان خواست شد

(۴) بگفتا حکایت کن ای نیک‌بخت

دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد»

سر و گردنش هم‌چنان شد که بود

در نیستی کوفت تا هست شد

چپ آوازه افکند و از راست شد

که چون سهل شد بر تو این کار سخت؟

۷۹- معنی «ردیف» در کدام گزینه با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) ای دل نگفتمت که عنان نظر بتاب

(۲) از من به عشق روی تو می‌زاید این سخن

(۳) آن مدّعی که دست ندادی به بند کس

(۴) بیش احتمال سنگ جفاخوردم نماد

اکنونت افکند که ز دستت لگام شد

طوطی شکر شکست که شیرین‌کلام شد

این بار در کمنند تو افتاد و رام شد

کز رقت اندرون ضعیفم چو جام شد

۸۰- در کدام گزینه فعل «شد» به دو معنی متفاوت به کار رفته است؟

(۱) کی بُرست این گل خندان و چنین زیبا شد

(۲) قـرص خورشید در سیاهی شد

(۳) افسوس که سرمایه ز کف بیرون شد

(۴) بر من اگر حرام شد وصل تو نیست بوالعجب

آخر این غورهٔ نوخاسته چون حلوا شد

یونس اندر دهان ماهی شد

وز دست اجل بسی جگرها خون شد

بوالعجب آن‌که خون من بر تو چرا حلال شد

قرابت معنایی

۸۱- در کدام بیت بر «توکل بر خدا و روزی‌رسانی او» تأکید نشده است؟

(۱) دگر روز باز ائتفاق اوفتاد

(۲) یقین مرد را دیده بیننده کرد

(۳) بخور تا توانی به بازوی خویش

(۴) زخندان فروربرد چندی به جیب

که روزی‌رسان قوت روزش بداد

شد و تکیه بر آفریننده کرد

که سعیت بود در ترازوی خویش

که بخشنده روزی فرستد ز غیب

۸۲- از میان ابیات زیر کدام ابیات بر مفهوم واحدی دلالت دارند؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>الف) برو شیر دژنده باش ای دغل<br/>ب) بخور تا توانی به بازوی خویش<br/>ج) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست<br/>د) خدا را بر آن بنده بخشایش است<br/>ه) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر</p> | <p>الف - ب - ه<br/>ب - د - ه<br/>۳) الف - ج - ه<br/>۴) ب - ج - د</p> |
|--|--|

۸۳- مضمون مقابل بیت «زنخدا فروربرد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب» در کدام بیت بهتر دیده می‌شود؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) یقین مرد را دیده بیننده کرد<br/>۲) کسی نیک بیند به هر دو سرای<br/>۳) بخور تا توانی به بازوی خویش<br/>۴) خدا را بر آن بنده بخشایش است</p> | <p>شد و تکیه بر آفریننده کرد<br/>که نیکی رساند به خلق خدای<br/>که سعیت بود در ترازوی خویش<br/>که خلق از وجودش در آسایش است</p> |
|--|--|

۸۴- مفهوم اصلی بیت «یکی روبهی دید بی دست و پای / فروماند در لطف و صنع خدای» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) اگر به پای بپویی وگر به سر بروی<br/>۲) در کم‌ترین صنع تو مدهوش مانده‌ایم<br/>۳) برد هر کسی بار در خورد زور<br/>۴) نپنندارم از بنده دم درکشدم</p> | <p>مقسمت ندهد روزی‌ای که ننهاده است<br/>ما خود کجا و وصف خداوند، آن کجا؟<br/>گران است پای ملخ پیش مور<br/>خدایش به روزی قلم درکشدم</p> |
|--|--|

۸۵- مفهوم کدام بیت با دیگر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱) مه‌تیاکن روزی مار و مور<br/>۲) ولیکن خداوند بالا و پست<br/>۳) ادیم (سفره) زمین سفره‌عام اوست<br/>۴) خدا را ندانست و طاعت نکرد</p> | <p>و گر چند بی دست و پایند و زور<br/>به عصیان در رزق بر کس نسبت<br/>چه دشمن بر این خوان یغما چه دوست<br/>که بر بخت و روزی قناعت نکرد</p> |
|---|--|

۸۶- مفهوم کدام بیت دورتر از سایر ابیات است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) رزق ما بی‌دست‌وپایان بی طلب خواهد رساند<br/>۲) تا دهن باز است روزی می‌رسد از خوان غیب<br/>۳) خانه‌ی درسته سنگ راه روزی‌خواره نیست<br/>۴) قفل روزی در جوانی بستگی هرگز نداشت</p> | <p>در رحم آن کس که روزی را مه‌تیا کرده است<br/>عقد (پیوند) دندان‌ها کلید رزق را دندان است<br/>می‌رسد چون لعل از خورشید انور رزق ما<br/>ریخت تا دندان کلید رزق را دندان ریخت</p> |
|---|---|

۸۷- مفهوم کدام بیت از مفهوم بیت «کزین پس به کنجی نشینم چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور» دورتر است؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱) روزی مقدر است نگرده ز عجز کم<br/>۲) بخوایم به کنج عبادت نشست<br/>۳) نه روزی به سرپنجگی می‌خورند<br/>۴) رزق اگر دارد کلیدی در کف دست دعاست</p> | <p>وز مکر و حيله بيش نيايد کسی درم<br/>که دریابم این پنج روزی که هست<br/>که سرپنجگان تنگ‌روزی‌ترند<br/>بی‌سبب ما زور بر پای طلب می‌آوریم</p> |
|---|--|

۸۸- همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت ..... بر مفهوم یکسانی دلالت دارند.

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) رزق از وی جو مجو از زید و عمرو<br/>۲) هین ازو خواهیید نه از غیر او<br/>۳) تا بدانی اصل اصل رزق اوست<br/>۴) معصیت ورزی هفتاد هفتاد سال</p> | <p>مستی از وی جو مجو از بنگ و خمر<br/>آب در یم (دریا) جو مجو در خشک جو<br/>تا همو را جوید آن‌که رزق جوست<br/>بازنگرفتی ز من روزی نوال (عطا)</p> |
|---|---|

۸۹- بیت «دگر روز باز اتفاق افتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) مانع رزق مقدر نشود دربیستن<br/>۲) قسمت خود می‌خورند منعم و درویش<br/>۳) از هوا مرغان فارغ‌بال روزی می‌خورند<br/>۴) چنان پهن خوان کرم گسترده</p> | <p>در رحم روزی اطفال مه‌تیا گردد<br/>روزی خود می‌برند پشه و عنقا (سیمرغ)<br/>در قفس هم رزق ما بی‌طالعان آماده نیست<br/>که سیمرغ در قفای قسمت خورد</p> |
|---|---|

۹۰- بیت «زنخدان فرورد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب» با تمام ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز بیت .....

- |  |   |
|--|---|
| <p>(۱) چون زمین را پا نباشد جود تو<br/>(۲) روزی ای خواهم به ناگه بی‌تعب ( = ) رنج<br/>(۳) بی زره‌بافی و رنجی روزی‌اش<br/>(۴) طفل را چون پا نباشد مادرش</p> | <p>ابر را راند به سوی او دوتو ( = ) دوچندان<br/>که ندارم من ز کوشش جز طلب<br/>می‌نباید با همه پی‌روزی‌اش<br/>آید و ریزد وظیفه ( = ) جیره بر سرش</p> |
|--|---|

۹۱- کدام بیت با بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست» ارتباط معنایی دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>(۱) ندارم جز غم تو غمگساری<br/>(۲) سوز ما را کسی نگفت که چیست<br/>(۳) چو خرما به شیرینی اندوده پوست<br/>(۴) در دل همه غم‌های تو داریم شب و روز</p> | <p>نه جز تیمار تو تیمارداری ( = ) غمخواری<br/>رنج ما را نخورد کس تیمار<br/>چو بازش کنی استخوانی در اوست<br/>در دل غم ما هیچ نداری چه توان گفت؟</p> |
|---|--|

۹۲- مفهوم بیت «برو شیر دزنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل» به کدام یک از ابیات زیر نزدیک‌تر است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>(۱) نتابید سگ صید روی از پلنگ<br/>(۲) چوشیرشزه ( = ) خشمگین درآید چه جای تعریف است<br/>(۳) چون نداری ناخن دزنده تیز<br/>(۴) چون شیر به خود سپه‌شکن باش</p> | <p>ز روبه رمند شیر نادیده‌جنگ<br/>ز گرگ پیر و شغال ضعیف و روبه شل<br/>با ددان ( = ) حیوانات وحشی آن به که کم گیری ستیز<br/>فرزند خصال ( = ) خصلت‌های خویشان باش</p> |
|---|---|

۹۳- در کدام گزینه مضمونی مشترک با بیت «چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟» وجود ندارد؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>(۱) همچون سگان تازی می‌کن شکار خامش<br/>(۲) نه روبه‌م که ز پهلوی شیر طعمه خورم<br/>(۳) رسد هنگام حاجت روزی‌اش از عالم بالا<br/>(۴) ربودن همچو موران دانه تا چند از دهان هم؟</p> | <p>نی چون سگان عوعو کهدان ( = ) کاهدان، لانه‌سگ من گرفته<br/>نه کرکسم که کند سیر لاشه‌ دونم (دون: پست)<br/>دهان خویش هر کس از طلب همچون صدف بندد<br/>چه جویی روزی خود را ز روزی‌خواره دیگر؟</p> |
|--|---|

۹۴- کدام گزینه با بیت «چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن» تناسب مفهومی دارد؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>(۱) به عین خواب می‌بینی که دوران<br/>(۲) کاردان اوست در زمانه و بس<br/>(۳) پس چه عرضه می‌کنی ای بی‌گهر<br/>(۴) آن که دهد کام و زبان را بیان</p> | <p>بدین سان ساختت محتاج یک نان<br/>نیست محتاج کاردانی کس<br/>احتیاج خود به محتاجی دگر<br/>هست چه محتاج به کام و زبان</p> |
|--|--|

۹۵- مفهوم بیت «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش» در کدام بیت تکرار شده است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>(۱) رزق هر کس را خداوندش مقرر کرده است<br/>(۲) روزی بی‌رنج گردد تخم رنج بی‌شمار<br/>(۳) نباشی بس ایمن به بازوی خویش<br/>(۴) مکن تکیه بر زور بازوی خویش</p> | <p>تا نپنداری که روزی باشد از بازوی خویش<br/>وقت آن کس خوش که باشد رزقش از بازوی خویش<br/>خورد گاو نادان ز پهلوی خویش<br/>نگه دار وزن ترازوی خویش</p> |
|---|---|

۹۶- مفهوم کدام بیت از مفهوم سایر ابیات دور است؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>(۱) مگر به منزل مقصود ره توانی برد<br/>(۲) دست بر سر چون سبو فردا برآرد سر ز خاک<br/>(۳) چون خشت نهادیم به پای خُم می سر<br/>(۴) بار بردار ز دل‌ها که در این راه دراز</p> | <p>ز دستگیری افتادگان عصا می‌ساز<br/>هر که باری برنگیرد ناتوانی را ز دوش<br/>بر دوش کسی همچو سبو بار نگشتم<br/>آن رسد زود به منزل که گران‌بارتر است</p> |
|--|---|

۹۷- همه‌گزینه‌ها، به‌استثنای بیت ..... با بیت «بگیر ای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر» ارتباط معنایی دارند.

- |   |   |
|---|---|
| <p>(۱) با خلق خدا شریک غم باید شد<br/>(۲) به یک‌رطل گران ( = ) پیمانۀ سنگین بردار بارهستی از دوشم<br/>(۳) تا ز دوش رهروان باری توان برداشتن<br/>(۴) بار بردار از دل مردم که بر دوش زمین</p> | <p>سربار به دوش خلق کم باید شد<br/>من افتاده را مگذار زیر بار ای ساقی<br/>از گران‌جانی غبار خاطر منزل مشو<br/>برندارد هر که از دل بار، می‌گردد گران</p> |
|---|---|

۹۸- مفهوم بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» در کدام بیت تکرار شده است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>(۱) قیامت کسی بینی اندر بهشت<br/>(۲) تو با خلق سهلی کن ای نیک‌بخت<br/>(۳) هر آن که بر در بخشایش خدای نشست<br/>(۴) گر ز خاک آسودنت آسوده می‌گردند خلق</p> | <p>که معنی طلب کرد و دعوی بهشت ( = ) رها کرد<br/>که فردا بگیرد خدا بر تو سخت<br/>به عاقبت نرود نامید از این درگاه<br/>تن به خاک تیره ده آسایش دل‌ها طلب</p> |
|---|---|

۹۹- مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دور است؟

- ۱) عاقبت از ما غبار ماند زنه‌ار
- ۲) تا تو فرمان نبی خلق به فرمان نروند
- ۳) نصیحت شنو مردم دوربین
- ۴) چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را

تا ز تو بر خاطری غبار نماند  
هرگزش نیک نباشد بد نیکی فرمای  
نپاشند در هیچ دل تخم کین  
غبار خاطری از ره‌گذار ما نرسد

۱۰۰- مفهوم بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» در کدام بیت تکرار شده است؟

- ۱) براننداز بیخی که خار آورد
- ۲) از دست تهی کرم نیاید
- ۳) چو دشمن کرم ببند و لطف و جود
- ۴) درختی است مرد کرم باردار

درختی بی‌پرور که بار آورد  
هر چند دلش جواد باشد  
نیاید دگر خبث ( = بدذاتی) از او در وجود  
وز او بگذری هیزم کوه‌سار

۱۰۱- مضمون کدام بیت با مضمون ابیات زیر متناسب است؟

- «سحر دیدم درخت ارغوانی  
به گوش ارغوان آهسته گفتم
- ۱) مشو تا توانی ز رحمت بری ( = دور)
  - ۲) به کوه قاف پشت خود دهی از روی آسایش
  - ۳) دل روشن بد و نیک جهان را خوب می‌بیند
  - ۴) نیکی و بدی در گهر خلق سرشته است

کشیده سر به بام خسته‌جانی  
به‌هارت خوش که فکر دیگرانی»  
که رحمت برزندت چو رحمت بری  
برون گر از میان خلق چون عنقا نهی پا را  
کجا آینه رو از زشت و از زیبا بگرداند؟  
از نامه نخوانند مگر آن‌چه نوشته است

۱۰۲- بیت «کسی نیک ببند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» با کدام بیت هم‌مفهوم است؟

- ۱) نیافرید خدایت به خلق حاجتمند
- ۲) دلیل آن‌که تو را از خدای نیک افتد
- ۳) برتقعای ( = قطعه‌ای از زمین) که چشم‌ارادت کند خدای
- ۴) خواه اطلس ( = پارچه ابریشمی) بیوش و خواهی دل

به شکر نعمت حق در به روی خلق میند  
بس است خلق جهان را که از تو نیک افتاد  
فرماندهی گمارد بر خلق مهربان  
با خدا باش در میانۀ خلق (دلق: پوستین)

۱۰۳- ابیات تمام گزینه‌ها، به استثنای ابیات گزینه ..... با هم در تقابل معنایی هستند.

- ۱) زنخدان فروبرد چندی به جیب
- ۲) با همه تمکین ( = احترام)، خدا روزی او
- ۳) طعمه چون شیر به سرپنجه مردی به کف آر
- ۴) از توکل می‌رسد از غیب رزقم بی‌حساب
- ۵) چو فرموده است رزقت ز آسمان است
- ۶) رزق هر چند بی‌گمان برسد
- ۷) کز این پس به کنجی نشینم چو مور
- ۸) روزی مقدر است نگردد ز عجز کم

که بخشنده روزی فرستد ز غیب  
کرده باشد بسته اندر جست‌وجو  
چون دم سگ‌صفتان خدمت هر کوی مکن  
روزی‌ام شد تنگ تا در فکر کشت افتاده‌ام  
زمین شوریدن ( = شخم‌زدن) ای فلاح تا کی؟  
شرط عقل است جستن از درها  
که روزی نخوردند پیلان به زور  
وز مکر و حيله بیش نیابد کسی درم

۱۰۴- مضمون بیت «معیار دوستان دغل روز حاجت است / قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب» در کدام بیت وجود ندارد؟

- ۱) این حریفان در شب عشرت مرا یارند و بس
- ۲) نه یاری سست‌پیمان است سعدی
- ۳) دوستی و دشمنی با چرخ می‌بخشد اثر
- ۴) بلا را خود همین یک حال نیکوست

روز محنت آن‌که می‌آید به کار من تویی  
که در سختی کند یاری فراموش  
می‌دهد پس هر چه بردی، جو به جو این آسیا  
که بشناسی بدو در دشمن و دوست

۱۰۵- بیت «صورت بی‌صورت بی‌حیدر / ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) آن صفای آینه وصف دل است
- ۲) آینه دل صاف باید تا درو
- ۳) آینه بی‌نقش شد یابد بها
- ۴) حق همی گوید نظرمان در دل است

صورت بی‌منتهای را قابل است  
واشناسی صورت زشت از نکو  
زانک شد حاکی جمله نقش‌ها  
نیست بر صورت که آن آب و گل است

۱۰۶- بیت «فخری که از وسیلت دون همتی رسد / گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار» با کدام بیت ارتباط بیشتری دارد؟

- ۱) چون جام دولتت به کف دست برنهند
- ۲) هر زر که دشمنی دهد و گل که ناکسی
- ۳) در مرد کم‌سخن به حقارت نظر مکن
- ۴) تختی که برنیاید ازو نام عدل تو

در کاسۀ نخست نظر بر خمار دار  
آن زر چو خاک بفرن و آن گل چو خار دار  
درکش به گفتنش که درختی است باردار  
نفس تو را کشنده‌تر است از هزار دار



۱۰۷- مفهوم کدام بیت از مفهوم بیت «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد» دورتر است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) خنده و گریه عشاق ز جایی دگر است<br/>                 ۲) صبر کن حافظ به سختی روز و شب<br/>                 ۳) مشتاق آن دهان را صبری تمام باید<br/>                 ۴) کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست</p> | <p>می‌سرایم به شب و وقت سحر می‌مویم (می‌گیریم)<br/>                 عاقبت روزی بیابایی کام را<br/>                 کان کام برنیاید بی‌رنج احتمالی<br/>                 بر زمستان صبر باید طالب نوروز را</p> |
|---|---|

۱۰۸- سفارش بیت «با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست» در کدام بیت تکرار شده است؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>۱) به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم<br/>                 ۲) مگر تو روی بیوشی و فتنه بازنشانی<br/>                 ۳) به زخم‌خورده حکایت کنم ز دست جراحت<br/>                 ۴) مرامگویی که سعدی طریق عشق رها کن</p> | <p>شمایل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوشم<br/>                 که من قرار ندارم که دیده از تو بپوشم<br/>                 که تندرست ملامت کند چو من بخروشم<br/>                 سخن چه فایده گفتن چو پند می‌نیوشم (نیوشیدن: شنیدن)</p> |
|--|---|

۱۰۹- کدام گزینه با مفهوم نهایی بیت زیر قرابت دارد؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>«رزق هر چند بی‌گمان برسد<br/>                 ۱) ای که جویی ز آسمان روزی، غرور از سر گذار<br/>                 ۲) به قدر جست‌وجو روزی به دست آید ز پا منشین<br/>                 ۳) به نادانان چنان روزی رساند<br/>                 ۴) قادر که مقدر است و فریادرس است</p> | <p>شرط عقل است جستن از درها<br/>                 خوشه‌چینان را ز همواری به دهقان چاره نیست<br/>                 که رزق مور با آن ناتوانی در قدم باشد<br/>                 که دانا اندر آن حیران بماند<br/>                 روزی‌ده مرغ و مار و مور و مگس است</p> |
|--|--|

۱۱۰- کدام گزینه با مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» ارتباط مفهومی دارد؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) از دانش آنچه داد، کم رزق می‌نهد<br/>                 ۲) چون شیر مادر است مهتا اگرچه رزق<br/>                 ۳) پیران تلاش رزق فزون از جوان کنند<br/>                 ۴) رزق می‌آید به پای خویش تا دندان به‌جاست</p> | <p>چون آسمان، درست حسابی ندید کس<br/>                 این جهد و کوشش تو به جای مکیدن است<br/>                 حرص گدا شود طرف شام بیشتر<br/>                 آسیا تا هست، در اندیشه نان نیست</p> |
|--|--|

۱۱۱- کدام گزینه با عبارت «مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.» ارتباط مفهومی دارد؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱) زور بازوی توکل ناخدای دیگر است<br/>                 ۲) تو منگر در نهاد و بنیت من<br/>                 ۳) چو روزی به سعی آوری سوی خویش<br/>                 ۴) هر کجا مور قناعت پر همت واکرد</p> | <p>بی غم ساحل در این دریا شنایی می‌کنم<br/>                 نگه کن در کمال نیت من (بنیت: توانایی)<br/>                 مکن تکیه بر زور بازوی خویش<br/>                 چه عجب گر ز سر ملک سلیمان گذرد</p> |
|---|---|

۱۱۲- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) بر تخت جم که تاجش معراج آسمان است<br/>                 ۲) شب‌نم از همت به خورشید بلند اختر رسید<br/>                 ۳) ذره را تا نبود همت عالی حافظ<br/>                 ۴) نیست گر مرتبه فقر، زیاد از دولت</p> | <p>همت نگر که موری با آن حقارت آمد<br/>                 چون بلند افتاد همت کار بال و پر کند<br/>                 طالب چشمه خورشید درخشان نشود<br/>                 شاه از گوشه‌نشینان ز چه همت می‌خواست؟</p> |
|--|--|

- ۲۵- گزینه ۲ «شوریده‌رنگ» به معنای «آشفته‌حال و رنگ‌پریده» است نه خرسند! در گزینه‌های دیگر، معنای واژه‌ها کاملاً صحیح است.
- ۲۶- گزینه ۳ «معنای درست همه واژه‌ها در گزینه ۳ دیده می‌شود. دغل: ناراست، حيله‌گر - صنّع: ساختن، آفرینش، نیکویی و احسان - جیب: گریبان، یقه - تیمار: غم، مراقبت و محافظت، تعهد، اندیشه.
- ۲۷- گزینه ۳ «شد در گزینه ۳» به معنای «رفت» است نه «سپری شد». سایر کلمات به‌درستی معنا شده‌اند.
- ۲۸- گزینه ۱ «معنای دقیق و درست واژه‌ها در گزینه ۱) مشهود است. دون: پست، فرومایه، پایین، کوتاه - قوت: خوراک، خوردنی، غذا و طعام (این کلمه را با قوّت به معنای «توان، نیرو و توانایی» اشتباه نگیریم!) - زَنخندان: چانه - تفرّج: گردش، سیر، گشایش‌یافتن (واژه تفرّج به معنای «پراکندگی» است).
- ۲۹- گزینه ۴ «حمیت در گزینه ۴) نادرست معنا شده است. معنای صحیح این کلمه «غیرت، مروت، جوانمردی» است (همّت به معنی «اراده» است).
- ۳۰- گزینه ۳ «در این گزینه معنای همه واژگان صحیح است اما در گزینه ۱) قرض به معنای «وام، دین» است نه مقصود (قرض به معنای «مقصود و هدف» است). در گزینه ۲) دلدار اشتباه معنا شده که معنای صحیح آن «معشوق، محبوب» است. (دلداده و بی‌دل یعنی «عاشق») و در گزینه ۴) نیز عمل نادرست معنا شده است که معنای درست آن «کار، فعالیت» است و واژه اَمَل به معنای «امید و آرزو» است.
- ۳۱- گزینه ۴ «در گزینه ۱) کلمات با یکدیگر رابطه تضاد دارند. در گزینه ۲) رابطه ترادف میان کلمات حاکم است (دلدار، جانانه: معشوق) و در گزینه ۳) نیز رابطه میان کلمات تناسب است. در گزینه ۴) نیز «خورشید و فلک» و «سیر و گیاه» رابطه تضمّن دارند اما رابطه میان جیب (گریبان) و زَنخندان (چانه) تضمّن نیست و این دو کلمه تناسب دارند.

۳۲- گزینه ۱» معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند: صورت: شکل، ظاهر (سیرت یعنی طریق و روش، باطن) - نام و ننگ: آبرو و اعتبار - خلق: آفریدن، آفریده (خالق به معنای «آفریننده» است).

۳۳- گزینه ۴» همان طور که می‌دانید «زمین» نوعی «ستاره» است و زیرمجموعه سیاره‌های منظومه شمسی محسوب می‌شود.

۳۴- گزینه ۲» بین «ماه و خورشید»، «حیوان و علف» و «خورشید و زحل» رابطه معنایی تناسب برقرار است؛ اما مورچه جزء مجموعه حشرات است و بین آن‌ها رابطه معنایی تضمین برقرار است.

۳۵- گزینه ۴» «چای» زیرمجموعه «نوشیدنی» هاست؛ بنابراین رابطه تضمین بین آن‌ها برقرار است و بین «سیر و گرسنه» هم تضاد.

۳۶- گزینه ۳» براساس واژه «روباه» معنی واژه «شیر» مشخص می‌شود و می‌دانیم که این دو واژه با یکدیگر رابطه معنایی «تناسب» دارند.

یادآوری برخی واژه‌ها دارای چند معنی هستند و یکی از راه‌های شناخت

معنی آن‌ها، توجه به رابطه‌های معنایی میان واژگان است:

۱- ترادف: کلمه‌ای که با کلمه دیگر معنایی یکسان و معادل داشته باشد، مانند «علم و پرچم» یا «سیر و سفر».

۲- تضاد: اگر دو واژه معنایشان مخالف یکدیگر باشد، بین آن‌ها رابطه معنایی تضاد است: «سیر و گرسنه» یا «سیاه و سفید».

۳- تناسب: هرگاه دو یا چند واژه به لحاظ معنایی در یک خانواده قرار بگیرند، بین آن‌ها رابطه معنایی تناسب برقرار است. مانند: «شیر، روباه و پلنگ» یا «شیر، پنیر و ماست».

۴- به رابطه معنایی تناسب در علم بدیع (آرایه‌های ادبی)، «مراعات نظیر» هم می‌گویند.

۴- تضمین: هرگاه واژه‌های معنای واژه‌ای دیگر را در بر بگیرد، یعنی یکی از دو واژه، گونه‌ای از واژه دیگر باشد، بین دو واژه رابطه معنایی تضمین برقرار است، مانند «میوه و سیب». سبب نوعی میوه است و واژه میوه معنی واژه سبب را در خود دارد، زیرا هر سیبی یک میوه است. مثال‌های دیگر:

نوشیدنی و آب / درخت و نخل / حشره و پشه / حیوان و خرگوش / ظرف و لیوان / لوازم التحریر و مداد / ورزش و فوتبال

۳۷- گزینه ۲» معنی واژه «سیر» با قرار گرفتن آن در جمله مشخص می‌شود. توجه داشته باشید که «سیر» به معنی نوعی گیاه خوردنی نیز هست؛ بنابراین معنای «سیر» در این جمله از «تناسب» با «خوردن» به دست نمی‌آید. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱): دست و پای: تناسب

گزینه ۳): شغال و شیر: تناسب

گزینه ۴): دست و پای: تناسب

۳۸- گزینه ۴» واژه «ماه» در سه گزینه نخست به معنی ماه آسمان است؛ اما در گزینه ۴) به معنی «سی روز» به کار رفته است. در گزینه ۱) براساس رابطه تناسب می‌توان به معنی واژه ماه پی برد (آفتاب و ماه)؛ اما در سایر گزینه‌ها با توجه به قرار گرفتن واژه در جمله به معنی ماه می‌رسیم.

۳۹- گزینه ۳» معنی واژه «روی» را از طریق تناسب آن با واژه‌هایی همچون «دست، چشم و گوش» متوجه می‌شویم.

۴۰- گزینه ۱) «تند» معانی متعددی دارد؛ از جمله «تیز، جنبان و سریع، چابک، غضبناک، شدید، خشن، طعم تند و در تداول امروزی به معنی پررنگ». در هر عبارتی باید با توجه به رابطه‌های معنایی یا قرار گرفتن آن در جمله به معنی آن پی برد. در این عبارت با توجه به این که واژه «تیز» مترادف واژه «تند» است، از طریق رابطه «ترادف» پی به معنی «تند» می‌بریم.

۴۱- گزینه ۳» در گزینه ۳) دقل املائی نادرستی دارد و شکل درست املائی آن دغل است به معنای ناراستی، فساد، مکر، ناراست و مکار. املائی سایر کلمات کاملاً صحیح است.

۴۲- گزینه ۱) املائی همه کلمات به جز سنع درست است. سنع حمیت (غیرت، مروّت، مردانگی)

۴۳- گزینه ۲) باید به شکل صنّع به معنای «آفرینش، ساختن» نوشته شود.

۴۴- گزینه ۲) در گزینه ۲) با توجه به محتوای عبارت، غرض باید به شکل قرض بیاید. غرض به معنای «مقصود» مناسب عبارت نیست و با توجه به همراهی کلمات «حق نعمت» و «دین»، قرض به معنای «وام» صحیح است. سایر کلمات املائی صحیح دارند.

۴۴- گزینه ۴) تیمار خوردن - گزاردن (ادا کردن، به‌جا آوردن) - گذاشتن (ترک و رها کردن) - محراب (قبله) - قوت (غذا) - عاجز

۴۴- گزینه ۴» رزق در ترکیب «قوت و رزق» املائی نادرستی دارد و شکل درست آن رزق است به معنای «روزی، قوت». سایر کلمات با املائی صحیحی نوشته شده‌اند.

۴۵- گزینه ۳» در گزینه ۳)، زنده گانی با رسم الخط نادرست آمده است و رسم الخط درست این کلمه زندگانی است.

۴۶- گزینه ۳» «دست کسی را گرفتن» کنایه از کمک کردن به اوست. / «خود را افکندن» کنایه از اظهار عجز و ناتوانی

۴۷- گزینه ۴» شوریده‌رنگ کنایه از بیچاره و بدبخت. بین «شیر» و «شغال» مراعات نظیر است. بین دو واژه «رنگ و چنگ» جناس ناهمسان (ناقص) وجود دارد.

۴۸- گزینه ۳» در گزینه ۱) بین «شیر» و «سیر»، در گزینه ۲) بین «مور» و «زور» و در گزینه ۴) بین «دوست» و «پوست» جناس ناهمسان (ناقص) وجود دارد. در گزینه ۳) هیچ نوع جناسی دیده نمی‌شود.

۴۹- گزینه ۴» بین دو واژه «چنگ» اختلاف معنایی وجود دارد: این لحظه گوش بر ساز چنگ دارم و دلم در چنگ و اختیارم نیست؛ بنابراین بین «چنگ» و «چنگ» جناس تام یا همسان وجود دارد. «گوش بر چیزی داشتن» و «دل در چنگ داشتن» هر دو کنایه است، اولی کنایه از توجه به چیزی داشتن است و دومی کنایه از عاشقی و بی‌دلی است. بین دو فعل «است» و «نیست» هم تضاد برقرار است. در بیت «حسن آمیزی» وجود ندارد. ۵۰- گزینه ۲» در این بیت دو تشبیه به کار رفته است: ۱- (تو مانند) شیر درنده باش ۲- خود را مانند روباه شل مینداز.

یادآوری در سال‌های گذشته خواندیم که هر «تشبیه» کامل چهار رکن

(جزء) دارد:

دلم (مشبه) مثل (ادات تشبیه) ابر (مشبه‌به) غمگین (وجه‌شبه) است.

گاهی «ادات تشبیه» حذف می‌شود: دلم ابر غمگین است. گاهی «وجه‌شبه»

حذف می‌شود: دلم مثل ابر است. گاهی هم «ادات تشبیه» و هم «وجه‌شبه»

حذف می‌شود: دلم ابر است. به حالت اخیر «تشبیه بلیغ» می‌گویند.

تشبیه بلیغ به صورت ترکیب مضاف و مضاف‌الیه هم می‌تواند بیاید که به

آن «اضافه تشبیهی» می‌گوییم. در اضافه تشبیهی گاهی «مشبه + کسره

+ مشبه‌به» می‌شود و گاهی «مشبه‌به + کسره + مشبه». به نمونه‌های

زیر دقت کنید که همگی اضافه تشبیهی هستند:

الف) مشبه + کسره + مشبه‌به: لب لعل.

ب) مشبه‌به + کسره + مشبه: لعل لب - ابر اندوه - کوه غم - برف پیروی -

خورشید مهربانی - دام نگاه

اغلب اضافه‌های تشبیهی از نوع «مشبه‌به + کسره + مشبه» است.

۵۱- گزینه «۴» تشبیه مصراع دوم را بازنویسی می‌کنیم تا ارکان آن

مشخص شود:

تو(مشبه) چو (ادات تشبیه) روباه (مشبه‌به)، به وامانده سیر می‌شوی (وجه‌شبهه)  
 ۵۲- گزینه «۲» در بیت صورت سؤال یک تشبیه به کار رفته است،

آن را بازنویسی می‌کنیم تا ارکان آن مشخص شود:

برای او مانند چنگ، رگ و استخوان و پوست ماند ← او مانند چنگ فقط رگ و استخوان و پوست برایش باقی ماند.

می‌بینیم که بعد از بازنویسی کاملاً واضح است که «چنگ» مشبه‌به است.

۵۳- گزینه «۳» هر دو ترکیب این گزینه «اضافه تشبیهی» است؛ زیرا

می‌توان گفت: «تعصب (مثل) دیو» و «تکبر (مثل) فرعون» است. در گزینه (۱)، «دریای ظلمت» اضافه تشبیهی است: «ظلمت (مثل) دریاست»؛ ولی

«طوفان نوح» نمی‌تواند اضافه تشبیهی باشد: «نوح مثل طوفان است»  
 طوفان مثل نوح است «قابل قبول نیست. در گزینه (۲)، «طوفان بلا»

اضافه تشبیهی است: «بلا (مثل) طوفان است»؛ ولی «دست اندوه» نمی‌تواند اضافه تشبیهی باشد: «دست مثل اندوه است» اندوه مثل دست است

«در گزینه (۴)، هیچ کدام از دو گزینه، اضافه تشبیهی نیست: «دندان مثل مرگ است» مرگ مثل دندان است «در این گزینه، «قناری

زیبا» یک ترکیب وصفی است و ترکیبات «وصفی» اصولاً نمی‌توانند «اضافه تشبیهی» بسازند: قناری مثل زیبا است «زیبا مثل قناری است»

۵۴- گزینه «۱» در این بیت، تنها یک «اضافه تشبیهی» به کار رفته است: «آینه دل». همان‌طور که گفتیم در اضافه‌های تشبیهی تنها دو رکن

مشبه (دل) و مشبه‌به (آینه) وجود دارد. در اصل تشبیه بدین شکل بوده است که ادات تشبیه و وجه‌شبه آن حذف شده است:

دل (در پاکی و زلالی) (مانند) آینه است.

۵۵- گزینه «۳» با توجه به داستان و با توجه به گزینه‌ها، گزینه (۳) بهتر از سایر گزینه‌ها است.

یادآوری در سال گذشته خواندیم که هرگاه کلمه‌ای علاوه بر معنی

خودش، مظهر و نشانه معنی دیگری هم واقع شود، به آن «نماد» می‌گویند؛ مثلاً در درس «چشمه» در سال گذشته، «چشمه» نماد انسان‌های مغرور

بود. در این درس هم «شیر» نماد انسان‌های تلاشگر و قوی است و «روباه» نماد انسان‌های وابسته، طفیلی و تنبل است.

۵۶- گزینه «۲» در گزینه (۳) هیچ تشبیهی دیده نمی‌شود. در بیت

نخست واج / ش / بیش از حد معمول خود تکرار شده است، در گزینه (۲)، بین «فخر» و «عار» تضاد وجود دارد و در گزینه (۴)، «رزق را از درها جستن»

کنایه از تلاش و کوشش برای یافتن رزق و روزی است.

یادآوری در سال‌های گذشته خواندیم که هرگاه شاعر یا نویسنده یک واج

را بیش از حد معمول خود در بیت، مصراع یا عبارتی تکرار کند، به گونه‌ای که کلام «آهنگین» شود، آرایه «واج آرایه» یا «نغمه حروف» پدید می‌آید:

نه من ز بی‌عملی در جهان ملولم و بس  
 ملالت علما هم ز علم بی‌عمل است

(تکرار صامت‌های / ل / ، / م / ، / ع / )

در این تعریف گفتیم هرگاه یک واج «بیش از حد معمول خود» تکرار شود. این وضعیت «بیش از حد معمول» برای هر صامتی متفاوت است. به

بیان دیگر، در تعریف واج آرایه نمی‌توان «عدد» داد و مثلاً گفت که اگر یک

۱. وقتی گفته می‌شود «می‌توان گفت»، یعنی می‌توان «وجه‌شبهه» برای آن تصور کرد؛ مثلاً تعصب مثل دیو (گمراه‌کننده) است.

واج بیش از چهار بار تکرار شود، واج آرایه است. گاهی اوقات یک واج (مثل

واج / ژ /) حتی اگر «سه» بار در یک بیت هم تکرار شود این «بیش از حد معمول بودن» را حس می‌کنیم و گاهی یک واج (مثل واج / ا /) حتی

اگر پنج بار هم در بیت تکرار شود این «بیش از حد معمول بودن» را حس نمی‌کنیم. یکی از علل اصلی این مسئله این است که ما هر چه قدر یک

واج را در گفتار روزانه و عادی خود کم‌تر به کار ببریم (مثل واج / ژ /) با کاربرد سه بار آن در یک بیت هم احساس واج آرایه می‌کنیم؛ ولی هرگاه

یک واج را در گفتار خود زیاد به کار ببریم (مثل واج / ا /) برای واج آرایه نیاز به تکرار بیشتری دارد. بنابراین واج آرایه، آرایه‌ای است که کاملاً به

گوش شما و حساسیت آن به تکرار واج‌ها بستگی دارد. از این رو توصیه می‌کنیم در تست‌های ترکیبی که «واج آرایه» هم حضور دارد، روی واج آرایه

سرمایه‌گذاری نکنید و سعی کنید با آرایه‌های دیگر به جواب تست برسید.

۵۷- گزینه «۲» ابتدا به سراغ آسان‌ترین آرایه می‌رویم: تضاد. در

گزینه (۱) بین مور و پیل تضاد است، گزینه (۲) بین شیر و روباه، گزینه (۳) بین بیگانه و دوست و گزینه (۴) بین شیر و روبه تضاد برقرار است، بنابراین

آرایه تضاد به ما کمکی نمی‌کند. سپس به سراغ آرایه جناس می‌رویم که برای اغلب ما یافتن آسان‌تر از تشبیه است: در بیت (۱) بین مور و زور،

در بیت (۲) جناس نداریم. همین کافی است تا بیت (۲) را به عنوان پاسخ تست برگزینیم. برای این که مهارت بیشتری کسب کنیم، تمام آرایه‌های

چهار گزینه را در زیر می‌آوریم:

گزینه (۱): من مانند مورچه در گوشه‌ای می‌نشینم: تشبیه / مور و زور: جناس ناقص / مور و پیل: تضاد

گزینه (۲): تو مانند شیر درنده باش: تشبیه / شیر و روباه: تضاد / جناس: ندارد.

گزینه (۳): او مانند ساز چنگ شد: تشبیه / دوست و پوست: جناس ناقص / بیگانه و دوست: تضاد

گزینه (۴): تو مانند شیر هستی، تو مانند روباه هستی: تشبیه / شیر و سیر: جناس ناقص / شیر و روبه: تضاد

۵۸- گزینه «۱» «زنخدان به جیب فروبردن» کنایه از گوشه‌نشینی و بی‌جنب و جوشی است و بین دو کلمه «جیب» و «غیب» جناس ناهمسان

وجود دارد. در گزینه (۲)، تشبیه: در گزینه (۳)، استعاره: در گزینه (۴)، نماد و حس آمیزی صحیح نیست.

۵۹- گزینه «۴» در این گزینه تشبیه وجود ندارد. در گزینه (۱)، دو بار واژه «چنگ» به کار رفته است؛ ولی با تفاوت معنایی: ۱- گوشم بر «ساز چنگ»

است. ۲- دلم در «چنگ و اختیار» من نیست؛ بنابراین بین دو واژه «چنگ» جناس همسان (تام) وجود دارد. در گزینه (۲)، تکرار واج‌های / د / ، / ر / ،

/ ن / مشهود است و در گزینه (۳)، شاعر برای گل ارغوان، «گوش» تصور کرده است و بنابراین «تشخیص» دارد.

یادآوری در سال‌های گذشته با آرایه «تشخیص» یا (شخصیت‌بخشی)

آشنا شدیم و خواندیم که هرگاه یک ویژگی انسانی را (صفت انسانی، حالت و رفتار انسانی...) به موجودی غیر از انسان نسبت دهیم، آرایه «تشخیص» به وجود می‌آید.

آرایه تشخیص گاه در «ترکیب‌ها» اتفاق می‌افتد (مثل گوش ارغوان، دست روزگار، اندیشه باران...).

گاهی اوقات هم بدون این که پای یک ترکیب در میان باشد، به موجودی غیر از انسان، ویژگی انسانی را نسبت می‌دهیم:

گل با شرمندگی سر به زیر انداخت.



۶۰- گزینۀ «۴» بین «پیری» و «جوانی» تضاد است. «از یا افتاده» کنایه از ناتوان و «دستگیری کردن» کنایه از کمک کردن است و بین واژگان «پیری» و «عصا» و نیز «پا و دست» هم مراعات نظیر برقرار است.

۶۱- گزینۀ «۲» هرگاه در پی جناس همسان هستیم، ابتدا باید ببینیم آیا واژه‌هایی که از نظر املا و تلفظ یکسان هستند در بیت وجود دارد یا نه؛ اگر وجود داشت، به سراغ مرحله دوم می‌رویم: آیا معنی آن‌ها متفاوت است یا یکسان؛ اگر معنی آن‌ها متفاوت بود جناس همسان داریم وگرنه آرایۀ «تکرار». در گزینۀ (۱) واژه‌های «جهان» و «روی» دو بار در بیت آمده؛ اما «جهان» به معنی «دنیا» و «روی» به معنی «چهره» است. بنابراین نمی‌توانند آرایۀ جناس همسان داشته باشند. در بیت (۲)، «جوی» دو بار به کار رفته است، جوی اول به معنی جویبار است و جوی دوم به معنی فعل امر از جستن: طرف و ساحل جویبار را بجوی.

در بیت (۳)، کلمات «خسرو، شیرین، شکر، مه‌رویان» دو بار آمده‌اند؛ اما در هر دو مورد، معنی هر چهار واژه یکسان است و بنابراین جناس همسان ندارند. در بیت (۴) کلمۀ تکراری وجود ندارد؛ بنابراین فاقد شرط اول جناس همسان است. ۶۲- گزینۀ «۴» گزینه‌های (۱) و (۳) واژه تکراری ندارند؛ بنابراین به راحتی حذف می‌شوند. در گزینۀ (۲) واژه «پروانه» تکرار شده است؛ اما هر دو بار به یک معنی به کار رفته است: حشرۀ زیبا. در گزینۀ (۴)، واژه «چنگ» دو بار به کار رفته است، در کاربرد اول به معنی بخشی از دست (از طریق قرار گرفتن کنار انگشت به راحتی می‌شود به این معنی پی برد) و در کاربرد دومش به معنی ساز چنگ است؛ بنابراین بین دو چنگ «جناس تام یا همسان» وجود دارد.<sup>۱</sup>

۶۳- گزینۀ «۱» واژه «باد» در این بیت دو بار به کار رفته است؛ بنابراین «احتمال» جناس تام وجود دارد. باد در مصراع اول در معنی رایج آن یعنی «جابه‌جایی هوا» به کار رفته است و در مصراع دوم به معنی فعل دعایی؛ بنابراین در این بیت جناس تام داریم. از طرفی بین «آتش و آب» تضاد هست. بنابراین پاسخ تست همین گزینه است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۲): به نظر می‌رسد واج / ش / کمی بیش از حد معمول خود به کار رفته است، می‌توانیم واج‌آرایی را برای این بیت بپذیریم؛ اما این بیت تشبیه ندارد. گزینۀ (۳): بین «خرقه» که لباس عارفان مسلمان بوده است و «زُتار» که کمر بند مسیحیان بوده است، تضاد وجود دارد، یکی نماد تدین و دیگری نماد کفر؛ اما بین هیچ دو واژه‌ای جناس وجود ندارد.

گزینۀ (۴): بین واژگان «ساقی، جام، شراب» مراعات نظیر آشکاری است؛ اما همۀ واژگان در معنی واقعی خود به کار رفته‌اند؛ بنابراین در بیت، مجاز نیست.

یادآوری سال گذشته خواندیم که هرگاه لفظی در معنی حقیقی یعنی در معنی لغت‌نامه‌ای آن به کار نرود، «مجاز» است؛ حالا ببینید در مصراع زیر مجاز را می‌توانید پیدا کنید:

«حضورم را ز چشم شهر حاشا می‌کنم هر شب»

معنی لغوی «شهر»، مشخص است؛ ولی در این مصراع در معنی لغوی خود به کار نرفته است، بلکه به معنی «مردم شهر» به کار رفته است؛ بنابراین می‌گوییم: در این مصراع «شهر» مجاز از «مردم شهر» است.

۱. در گذشته، برای هر یک از ستارگان و سیاره‌ها، کارکرد خاصی قائل بودند؛ مثلاً «عطارد» را دبیر و نویسندهٔ فلک و «زهره» یا «ناهید» را مطرب و نوازندهٔ فلک می‌دانستند.

یکی از انواع بسیار رایج مجاز، مجازی است که یک واژه به علت شباهت به جای یک واژه دیگر به کار می‌رود؛ مثلاً به جای این که بگوییم «در این دنیای پر از فریب و حادثه گرفتار شده‌ایم» می‌گوییم: «در این دامگاه پر از فریب و حادثه گرفتار شده‌ایم». در جملهٔ دوم، دامگاه در معنی غیرلغوی «دنیا» به کار رفته است و علت این کاربرد هم، مشابهت دنیا به دامگاه است. از آنجایی که این نوع مجاز (مجازی که اساس آن شباهت دو واژه است) بسیار پرکاربرد است، به آن نام جداگانه‌ای نیز داده‌اند: «استعارۀ مصرّحه».

۶۴- گزینۀ «۳» برای بررسی این مدل تست‌های آرایه، بهتر است ابتدا به سراغ آرایه‌ای برویم که یافتنش راحت‌تر از سایر آرایه‌هاست. به نظر می‌رسد این تست را باید با آرایۀ تضاد شروع کنیم. با توجه به چهار گزینه، تنها باید در بیت‌های «ب» و «ج» در پی تضاد باشیم: در بیت «ب» هیچ تضادی وجود ندارد، پس با خیال آسوده گزینه‌های (۱) و (۴) را حذف می‌کنیم. در بیت «ج» تضاد بین «کعبه و بتخانه» آشکار است؛ سپس آرایۀ جناس را بررسی می‌کنیم: از بین گزینه‌های باقی‌مانده، در بیت «الف» هیچ نوع جناسی دیده نمی‌شود، اما در بیت «د» بین «سر» و «سرا» و نیز بین سه واژه «بر»، «در» و «سر» جناس ناهمسان وجود دارد؛ بنابراین پاسخ گزینۀ (۳) است. برای اطمینان بیشتر سایر موارد را هم بررسی می‌کنیم:

طبق گزینۀ (۳)، باید در بیت «الف» مجاز باشد، در بیت «الف» واژهٔ پیمانۀ، در معنی لغوی خود که نوعی ظرف است به کار نرفته است، بلکه در معنی محتوای ظرف، یعنی در معنی شراب به کار رفته است: کوثر نمی از جرعهٔ «شراب» ماست؛ بنابراین «پیمانۀ» مجاز از شراب است. در بیت «ب» ترکیب «گنج معنی»، اضافهٔ تشبیهی است: معنی مانند گنج است.

۶۵- گزینۀ «۴» در این بیت سه بار کلمۀ «روان» به کار رفته است. دو بار نخست به معنی «روح» است و «روان» سوم به معنی «جاری»: تا وقتی که یاقوت روح‌بخش تو (لب)، غذای روح است، چشم من از غم تو، همچون چشمه‌ای است که یاقوت روان و جاری دارد (اشک خونین)؛ بنابراین در این بیت جناس تام یا همسان داریم. از طرفی بین «چشمه و چشم» هم جناس ناقص وجود دارد؛ بنابراین پاسخ تست گزینۀ (۴) است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): درست است که واژهٔ دوستان در این بیت تکراری است، اما معنی آن یکسان است و نمی‌تواند «جناس همسان» داشته باشد. ولی بین «دوستان و بوستان» جناس ناقص وجود دارد.

گزینۀ (۲): در این بیت خبری از جناس ناقص نیست، اما دو واژهٔ «داد» با هم اختلاف معنایی دارند و جناس تام: کرم او می‌تواند «حق» من مسکین را «بدهد». گزینۀ (۳): واژهٔ تکراری در بیت سوم به کار نرفته است و حتی احتمال وجود جناس تام هم منتفی است، اما بین «جود و سجود»، «جود و وجود» و «سجود و وجود» جناس ناقص شکل گرفته است.

۶۶- گزینۀ «۲» در این گزینه یک فعل به کار رفته و هم‌چنین نشانی از پیوندهای<sup>۲</sup> وابسته‌ساز نیست. در گزینۀ (۱) پیوند وابسته‌ساز «که» در گزینۀ (۳) پیوند وابسته‌ساز «اگر» و در گزینۀ (۴) پیوند وابسته‌ساز «چون» (= وقتی که) بیانگر وجود جملهٔ مرکب هستند.

۲. نام دیگر پیوندها، «حروف ربط» است.



## جملات ساده مرکب

در سال گذشته خواندیم که جملات «ساده» جملاتی هستند که یک فعل دارند و جملات مرکب یا غیرساده جملاتی هستند که دو ویژگی دارند: الف) حداقل دو فعل دارند.

ب) معمولاً از یک جمله هسته و یک یا چند جمله وابسته تشکیل شده‌اند. به مثال زیر توجه کنید:

من آموختم که زندگی به هر قیمتی ارزش زیستن ندارد.

در مثال فوق، جمله «من آموختم» هسته است و جمله «زندگی به هر قیمتی ارزش زیستن ندارد» جمله وابسته است. به مجموع جمله هسته و وابسته، یک جمله مرکب می‌گوییم.

نشانه جمله وابسته، پیوندهای وابسته‌ساز است. این پیوندها در آغاز جمله وابسته می‌آیند. مشهورترین پیوندهای وابسته‌ساز عبارت‌اند از: که - تا - زیرا (و مترادفات زیرا: چون، چون که ... وقتی که، اگر، اگرچه، با این که، تا این که ...

در جملات مرکب، به جمله‌ای که بر سر آن پیوند وابسته‌ساز بیاید، جمله وابسته و به جمله دیگر، جمله هسته می‌گویند:

اگر تمرین مرتب داشته باشی، موفق خواهی شد.

جمله وابسته: تمرین مرتب داشته باشی.

جمله هسته: موفق خواهی شد.

در برخی موارد، پیوند وابسته‌ساز (معمولاً «که» و «تا»، گاهی هم «اگر») حذف می‌شود؛ با وجود این، همچنان با جمله مرکب سروکار داریم: به سینما رفتم، فیلم ببینم ← به سینما رفتم [که] فیلم ببینم.

گاهی جمله مرکب بیش از یک جمله وابسته دارد:

اگر تلاش کنی و دقت داشته باشی، به هدف می‌رسی.

جملات وابسته: ۱- تلاش کنی ۲- دقت داشته باشی

جمله هسته: به هدف می‌رسی.

گاهی جمله وابسته، در دل جمله هسته می‌آید. در این موارد ابتدا جمله وابسته را جدا می‌کنیم (یعنی جمله‌ای که بر سر آن پیوند وابسته‌ساز آمده) سپس هر آن چه باقی بماند، جمله هسته است:

شهادا که شمع محفل بشریت هستند، زندگان جاویدند.

جمله وابسته: شمع محفل بشریت هستند.

جمله هسته: شهادا زندگان جاویدند.

## ۶۷- گزینه «۳»

در این گزینه هر چند دو جمله وجود دارد، فاقد پیوند وابسته‌ساز است. در حقیقت، این گزینه از دو جمله ساده تشکیل شده که با پیوند هم‌پایه‌ساز «و» به یکدیگر وصل شده‌اند. در گزینه (۱) «که»، پیوند وابسته‌ساز است، در گزینه (۲) پیوند وابسته‌ساز «تا» یا «که» بعد از جمله اول محذوف است: آرزو می‌کنم که ... و در گزینه (۴) «وقتی» (= وقتی که) پیوند وابسته‌ساز است.

## بازنمایی هم‌پایه‌ساز

پیوندهای هم‌پایه‌ساز جملات «هم‌پایه» را به یکدیگر وصل می‌کنند. پرکاربردترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارت‌اند از: و، یا، اما، لیکن، ولی.

به دو مثال زیر دقت کنید:

الف) پرنده از قفس درآمد و پرواز کرد.

ب) اگر تست‌ها را بزنی و پاسخ‌نامه را بخوانی، نمره خوبی می‌گیری.

در جمله «الف»، «واو» بین دو جمله ساده آمده است. در واقع شأن جمله دوم، از جمله اول گرفته شده، جمله اول ساده است، پس جمله دوم «هم‌پایه» جمله اول است و همانند آن یک جمله ساده محسوب می‌شود. در جمله «ب» نیز، «واو» بین دو جمله آمده است؛ جمله اول وابسته است (حضور «اگر» این نکته را تأیید می‌کند)، پس جمله دوم نیز «هم‌پایه» جمله اول است و جمله وابسته محسوب می‌شود. (جمله سوم «هسته» است و هم‌پایه دو جمله قبل نیست).

۶۸- گزینه «۴» در این گزینه پیوند وابسته‌ساز «تا» در میان دو جمله آمده است و جمله مرکب پدید آورده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «اما» پیوند هم‌پایه‌ساز است و دو جمله ساده را به هم پیوند داده است. گزینه (۲): در این گزینه «تا» حرف اضافه است، نه پیوند وابسته‌ساز، زیرا دو جمله را به هم پیوند نداده است و کلاً در این گزینه با یک جمله سروکار داریم.

به‌طور کلی «تا» وقتی نشان‌دهنده پایان زمان یا طول مکان باشد، حرف اضافه است، نه حرف ربط؛ مثل دو نمونه زیر:

۱) تا سر کوچه پیاده رفتم.

حرف اضافه متمم

۲) تا صبح، یکسره درس خواندم تا بتوانم نمره قبولی بگیرم.

حرف اضافه متمم حرف ربط وابسته‌ساز

گزینه (۳): «ولی» پیوند هم‌پایه‌ساز است و دو جمله ساده را به هم پیوند داده است.

۶۹- گزینه «۲» در این گزینه، پیوند وابسته‌ساز «اگر» حذف شده است و پیش‌تر گفتیم حتی اگر پیوند وابسته‌ساز حذف هم شود، باز با جمله مرکب سروکار داریم: اگر عافیت می‌خواهی، نظر در منظر خوبان مکن ← یک جمله مرکب

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): شب به پایان رود ← جمله ساده / و ← پیوند هم‌پایه‌ساز / شرح به پایان نرود ← جمله ساده

گزینه (۳): شکر خوش است ← جمله ساده / ولیکن ← پیوند هم‌پایه‌ساز / حلاوتش تو ندانی ← جمله ساده

گزینه (۴): این عبارت فقط یک جمله است و می‌دانیم که برای ساخته شدن جمله مرکب، حداقل به دو جمله نیاز داریم؛ پس این گزینه فقط یک جمله ساده دارد.

۷۰- گزینه «۴» در این گزینه «و» بین دو جمله آمده است؛ پس پیوند هم‌پایه‌ساز است. توجه داشته باشید که در مصراع نخست، فعل «است» به قرینه لفظی حذف شده است: جهل چون شب‌پره [است] و علم چو خورشید است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «و» در این گزینه بین دو واژه آمده است. در درس هشتم خواهید خواند که به آن واو عطف می‌گویند.

گزینه (۲): «و» در این گزینه در میان یک واژه آمده است. به این واو اصطلاحاً میانوند می‌گویند.

گزینه (۳): «و» در این گزینه نیز حرف عطف است، زیرا بین دو واژه آمده است: کمال و هنر / عیب و نقص / پستی و نقصان

۱. «شب‌پره» به معنی خفاش است.

## ۷۱- گزینه «۱»

در این گزینه پیوند وابسته‌ساز وجود ندارد؛ پس نمی‌تواند جمله وابسته داشته باشد:

برو ← جمله ساده

شیر دزنده باش ← جمله ساده

ای دغل ← شبه جمله

مینداز خود را چو روباه شل ← جمله ساده

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): که<sup>۱</sup> (پیوند وابسته‌ساز)، از تو ماند چو شیر ← جمله وابسته  
گزینه (۳): چو<sup>۲</sup> (پیوند وابسته‌ساز)، صبرش نماند از ضعیفی و هوش  
← جمله وابسته

گزینه (۴): تا (پیوند وابسته‌ساز) توانی به بازوی خویش ← جمله وابسته /  
که (پیوند وابسته‌ساز) سعیت بود در ترازوی خویش ← جمله وابسته  
۷۲- گزینه «۳» در این گزینه، «چون» به معنی «مثل» و ادات تشبیه  
است. این واژه اگر ادات تشبیه باشد حرف اضافه است، نه پیوند وابسته‌ساز.  
جمله «چون گل و می دمی از پرده برون آی» یک جمله ساده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): صورت مرتب شده مصراع نخست این چنین است:

اگر برق نوروزی در شاخسار آتش می‌زند ← جمله وابسته

گزینه (۲): «چو» در این بیت به معنی «وقتی که» پیوند وابسته‌ساز است و  
جمله بعد یک جمله وابسته است:

وقتی که پرده‌دار به شمشیر همه را می‌زند ← جمله وابسته

گزینه (۴): «چون» در این بیت به معنی «وقتی که» پیوند وابسته‌ساز است:  
وقتی که صبا گفته حافظ را شنید ← جمله وابسته

۷۳- گزینه «۴» در این گزینه «واو» در مصراع اول بین دو جمله آمده  
است؛ پس پیوند هم‌پایه‌ساز است و «اگر» در مصراع دوم «وابسته‌ساز» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): وابسته‌ساز: که / هم‌پایه‌ساز: ندارد. توجه داشته باشید «واو» در  
«گفت و شنید» میانوند است، زیرا «گفت» و «شنید» در این جا فعل نیستند،  
بلکه به معنی «گفتن و شنیدن» هستند. «گفت و شنید»، مثل «پرس و جو» و  
«رفت و آمد» روی هم یک واژه به حساب می‌آید.

گزینه (۲): هم‌پایه‌ساز: ولی / وابسته‌ساز: ندارد. توجه داشته باشید که «تا»  
در مصراع اول هم‌پایه‌ساز نیست، بلکه اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که به  
معنی پایان مکان است و حرف اضافه: از کران تا کران، لشکر ظلم وجود دارد.  
گزینه (۳): وابسته‌ساز: که / هم‌پایه‌ساز: ندارد. توجه داشته باشید «واو» در  
مصراع اول بین دو واژه آمده است و عطف است.

۷۴- گزینه «۱» پیوندهای هم‌پایه‌سازی که در عبارت به کار  
رفته‌اند، عبارت‌اند از:

(۱) در این کشور معمارانی هستند و من شنیده‌ام ... (۲) در تزئینات معماری  
بگنجانند و به زیبایی دست یابد.

توجه «یا» اگر بین دو جمله بیاید پیوند هم‌پایه‌ساز است و اگر بین دو واژه  
بیاید عطف محسوب می‌شود؛ بنابراین در جمله «هسته‌ای از حقیقت یا  
ضرورت را در تزئینات معماری بگنجانند» پیوند هم‌پایه‌ساز به کار نرفته است.

۱. «کز» مخفف «که از» است.

۲. «چو» به معنی «وقتی که» پیوند وابسته‌ساز است، اما اگر ادات تشبیه باشد؛ یعنی به معنی  
«مثل و مانند» به کار رود، حرف اضافه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): پیوندهای وابسته‌سازی که در عبارت به کار رفته‌اند: (۱) من  
شنیده‌ام که ... (۲) وسوسه شده تا ...

گزینه (۳): دومین جمله عبارت، «من شنیده‌ام» جمله هسته است: من شنیده‌ام  
(هسته) که (پیوند وابسته‌ساز) دست کم یکی از آنان وسوسه شده (جمله وابسته).

گزینه (۴): جمله پایانی؛ یعنی جمله «به زیبایی دست یابد» با «واو» هم‌پایه‌ساز با  
جمله قبل هم‌پایه شده؛ پس باید بینیم جمله قبل چه وضعی دارد، چون جملات  
قبل و بعد از حرف ربط هم‌پایه‌ساز، جایگاه یکسانی دارند: ... تا (پیوند وابسته‌ساز)  
هسته‌ای از حقیقت یا ضرورت را در تزئینات معماری بگنجانند ( ← جمله  
وابسته) و ( ← هم‌پایه‌ساز) به زیبایی دست یابد ( ← جمله وابسته).

۷۵- گزینه «۴» در این گزینه، جمله «چاره بعد از تو نداریم به جز  
تنهایی» یک جمله ساده است و هسته نیست، چون جمله هسته بخشی از  
یک جمله مرکب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): اگر ← پیوند وابسته‌ساز / چشم با دوست داری ← جمله  
وابسته / گوش با دشمن مکن ← جمله هسته

گزینه (۲): اگر (محذوف) ← پیوند وابسته‌ساز / سر هلاک نداری  
← جمله وابسته

گزینه (۳): گویند ← جمله هسته / که (محذوف) ← پیوند وابسته‌ساز /  
از او حذر کن ← جمله وابسته / و ← پیوند هم‌پایه‌ساز / راه گریز گیر  
← جمله وابسته

۷۶- گزینه «۴» در بیت صورت سؤال فعل «شد» در معنی اسنادی و  
رایج امروزی‌اش به کار رفته است، در گزینه (۴) نیز در همین معنی اسنادی  
است، اما در سایر گزینه‌ها به معنی «رفت» است.

## تغییر معنای افعال

هم‌چنان که برخی اسم‌ها و صفت‌ها در زبان فارسی بیش از یک معنی دارند،  
برخی افعال نیز بیش از یک معنی دارند. طبیعی است که معنی هر فعل را از  
جمله‌ای که در آن واقع شده است باید فهمید. دو مثال زیر را با هم می‌خوانیم:  
الف) از دشمنش انتقام سختی گرفت.  
ب) پلیس سارقان طلافروشی را گرفت.

می‌بینید که معنی فعل «گرفت» در دو جمله فوق بسیار متفاوت است.  
افعالی هم که از مصدر «شدن» ساخته می‌شوند، می‌توانند معانی متعددی  
داشته باشند:

- ۱- رفتن: چون که شد خورشید و ما را کرد داغ / چاره نبود بر مقامش از چراغ
  - ۲- اسنادی به معنی گشتن و گردیدن: باز به یک جرعه می، عاقل و فرزانه شد
- توجه هرگاه فعل «شدن» به معنی «رفتن» باشد، دیگر آن جمله «مسند»  
ندارد. باید دانست که وقتی معنی فعل تغییر می‌کند فعل دیگری است و  
نباید آن را همان فعل پیشین به شمار آورد.

۷۷- گزینه «۲» در بیت صورت سؤال، «شد» در معنی «رفت» به کار  
رفته است: دل به کنار دلدار «رفت»، جان به کنار جانانه «رفت».

در همه ابیات به‌جز گزینه (۲) نیز به معنی «رفت» به کار رفته است:  
گزینه (۱): از سر ما بیرون نخواهد «رفت».

گزینه (۳): از خلوت عقل بیرون «رفت».

گزینه (۴): هر کس می‌آمد و «می‌رفت».

اما در گزینه (۲) در معنی «اسنادی» به کار رفته است: او از خشم مانند آتش «شد».

۷۸- گزینۀ «۳» در بیت صورت سؤال فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته است. در گزینۀ (۳) نیز هر دو فعل «شد» به معنی «رفت» به کار رفته است: وقتی که بهمن می‌خواست به زابلستان «برود»، گفت که از سمت چپ می‌رود؛ اما از سمت راست «رفت».

۷۹- گزینۀ «۱» ردیف این شعر فعل «شد» است. در گزینۀ (۱) فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته است: از دست تو لگام «رفت»؛ اما در سایر گزینۀها به معنی اسنادی و رایج امروزی آن به کار رفته است:

گزینۀ (۲): او شیرین کلام «شد».  
گزینۀ (۳): او رام «شد».  
گزینۀ (۴): اندرون ضعیفم مانند جام «شد».

۸۰- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۱) هر دو فعل «شد» در معنی اسنادی به کار رفته است: الف) گل زیبا شد. ب) غوره حلوا شد. در گزینۀ (۲) نیز هر دو فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته است: الف) خورشید در سیاهی رفت. ب) یونس در دهان ماهی رفت. در گزینۀ (۴) نیز هر دو فعل «شد» در معنی اسنادی به کار رفته است: الف) وصل تو بر من حرام شد. ب) خون من بر تو حلال شد. اما در گزینۀ (۳)، «شد» در مصراع نخست به معنی «رفت» است: افسوس که سرمایه ز کف بیرون «رفت» و در مصراع دوم در معنی اسنادی: از دست اجل بسی جگرها خون «شد».

۸۱- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) تأکید بر تکیه کردن بر توانایی خود است تا رزاقیت خداوند. در سایر گزینۀها روزی‌رسانی خداوند دیده می‌شود.

۸۲- گزینۀ «۱» ابیات «الف»، «ب»، «ه» بر مفهوم تکیه کردن بر زور بازوی خویش و تلاش برای کسب روزی و نکوهش کسی که روزی‌اش را از ته‌مانده روزی دیگران به دست می‌آورد تأکید دارند. اما بیت «ج» توصیه به کرم و جوانمردی است و در بیت «د» نیز صحبت از این است که خدا کسی را مورد رحمت قرار می‌دهد که به مردم کمک کند.

۸۳- گزینۀ «۳» در بیت سؤال سخن اصلی تکیه کردن بر روزی‌رسانی خداوند است و به امید روزی‌رسانی خدا دست از تلاش و کوشش برداشتن. در گزینۀ (۳) دقیقاً توصیه مخالف و مقابل آن دیده می‌شود: توصیه به تکیه کردن بر تلاش و کوشش خود.

۸۴- گزینۀ «۴» حرف اصلی سعدی در بیت سؤال این است که خدا روزی ناتوانان و بی‌دست‌وپایان را هم می‌رساند. در گزینۀ (۴) هم شاعر معتقد است خدا روزی همهٔ بندگان را می‌رساند حتی اگر درخواستی نکنند. مفهوم سایر گزینۀها:

گزینۀ (۱): نمی‌توان با تلاش و کوشش بیش از روزی مقدر و تعیین‌شده به دست آورد.

گزینۀ (۲): ناتوانی انسان از وصف خداوند  
گزینۀ (۳): هر کسی به اندازهٔ توانایی‌اش می‌تواند کار کند.

۸۵- گزینۀ «۴» مفهوم گزینۀ (۴) توصیه به قناعت است و شاعر معتقد است کسی که به روزی خداوند و نعمت‌هایش قناعت نکند خدا را نشناخته است و بندگی او را به جای نیابورده است. اما مفهوم مشترک سایر گزینۀها رزاقیت خداوند و فراگیری روزی خداوند است.

۸۶- گزینۀ «۴» مفهوم مشترک گزینۀهای (۱)، (۲) و (۳) رزاقیت خداوند و فراگیری بودن روزی است و در هر سه گزینۀ تأکید شده است. روزی مقدر هر کس می‌رسد حتی اگر در به دست آوردن آن ناتوان باشد و تلاشی نکند. اما در گزینۀ (۴) سخن از چیز دیگری است؛ شاعر می‌گوید: در

گزینۀ (۱): تنها کارآمودهٔ میدان نبرد و کسی که تجربهٔ نبرد دارد بر دشمن غالب می‌شود.

گزینۀ (۲): با حضور قدرتمندان، جایی برای تعریف و تمجید از ضعفا باقی نمی‌ماند.

گزینۀ (۳): کسی که توان مقابله ندارد نباید با قوی‌تر از خود درافتد.

۹۳- گزینۀ «۳» مفهوم اصلی گزینۀ (۳) این است که هر کس در طلب روزی نباشد خداوند روزی او را در زمان ضرورت می‌رساند؛ اما مضمون مشترک سایر گزینۀها نکوهش کسی است که روزی‌اش را از ته‌ماندهٔ روزی دیگران به دست می‌آورد.

۹۴- گزینۀ «۳» بیت سؤال بر تکیه کردن بر وجود و داشته‌های خود تأکید دارد. در گزینۀ (۳) نیز شاعر می‌گوید نباید احتیاج خود را به دیگران ابراز کنیم.



مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): محتاج شدن به یک قرص نان (نهایت فقر و بدبختی)

گزینه (۲): تنها خداوند کاردان است.

گزینه (۴): بی‌نیازی خداوند از گفتار و نطق

۹۵- گزینه (۲) مفهوم بیت سؤال تکیه کردن بر زور بازو و تلاش و

اراده خود است. این مفهوم در گزینه (۲) هم تکرار شده است: روزی بدون

زحمت مایه رنج و زحمت است، خوشا به سعادت کسی که روزی‌اش را با

زور بازوی خودش فراهم می‌کند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): روزی هر کس را آفریدگار تعیین کرده است و به سعی و

تلاش فرد بستگی ندارد.

گزینه (۳): آسیب دیدن از سوی خود / زمینه نابودی خویش را فراهم ساختن

(از ماست که بر ماست).

گزینه (۴): ملامت مغرور بودن به توانایی‌های فردی و تأکید بر رعایت

حد و اندازه

۹۶- گزینه (۳) در گزینه (۳) صحبت از بار نبودن بر دوش دیگران

است، اما در سایر گزینه‌ها مفهوم اصلی توصیه به بار برداشتن از دوش

دیگران است و تأکید شده است کسی که از دستگیری درماندگان برای

خودش عصا می‌سازد به منزلگاه مقصود می‌رسد (گزینه ۱) و فرمای قیامت

دست بر سرش نخواهد زد (گزینه ۲) و زودتر به مقصد می‌رسد (گزینه ۴).

۹۷- گزینه (۲) حرف اصلی بیت سؤال این است که باید از دیگران

دستگیری کنیم نه این که باری بر دوش دیگران باشیم. این مفهوم در

همه گزینه‌ها غیر از گزینه (۲) دیده می‌شود. در گزینه (۲) شاعر از ساقی

می‌خواهد با نوشاندن شراب عشق او را از تعلقات دنیا رهایی دهد.

۹۸- گزینه (۲) خدا کسی را مورد رحمت قرار می‌دهد که مردم در

سایه وجود او آسایش داشته باشند. این مفهوم علاوه بر بیت سؤال در گزینه

(۲) هم دیده می‌شود: خدا بر کسی که با مردم مدارا می‌کند سخت نمی‌گیرد.

مفهوم سایر ابیات:

گزینه (۱): حقیقت جویان به بهشت می‌روند نه مدعیان.

گزینه (۳): کسی که به درگاه خدا رو بیاورد ناامید و تهی دست بر نخواهد گشت.

گزینه (۴): کسی که مردم با مردنش آسایش می‌یابند، باید تن به مرگ دهد.

۹۹- گزینه (۲) در گزینه (۲) صحبت از این است که اگر خدا را

اطاعت نکنی مردم از تو اطاعت نمی‌کنند؛ اما مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها

نرنجاندن دل دیگران از خود است. در گزینه (۱) سعدی می‌فرماید: عاقبت

به جز غباری از ما باقی نمی‌ماند؛ پس مواظب باش که در دل کسی از تو گرد

و غبار ناراحتی باقی نماند. در گزینه (۳) هم سعدی توصیه می‌کند که انسان

دوراندیش نباید در هیچ دلی کینه و ناراحتی ایجاد کند. در گزینه (۴) حافظ

به ما سفارش می‌کند چنان زندگی کنیم که حتی اگر خاک راه هم شدیم

ذره‌ای کدورت و ناراحتی از ما به کسی نرسد!

۱۰۰- گزینه (۴) کرم و جوانمردی عادت و پیشه بزرگان و دانایان

است و کسی که کرم و جوانمردی دارد، دارای ارزش و دانش و خرد است و

در مقابل کسانی که بلندهمت و بخشنده نیستند، دارای دانش و خرد هم

نیستند. در گزینه (۴) هم سعدی معتقد است انسان کریم مانند درختی

میوه‌دار و ارزشمند است و کسانی که اهل کرم و بخشش نیستند، مانند

هیزم فقط شایسته سوزاندن هستند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): توصیه به انجام کار پرفایده و پرهیز از عملی که سرانجام

خوبی ندارد.

گزینه (۲): بخشندگی بدون توانمندی و با دست خالی ممکن نیست.

گزینه (۳): با کرم و بخشش می‌توان دشمن را هم از دشمنی برگرداند.

۱۰۱- گزینه (۱) در گزینه (۱) همانند ابیات سؤال نیکی کردن به

دیگران ستوده شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): عزلت و گوشه‌نشینی سبب آسایش و امنیت است.

گزینه (۳): دل پاک، آینه جهان‌نماست.

گزینه (۴): رفتار هر کس مطابق ذات و سرشت اوست (از کوزه همان

برون تراود که در اوست).

۱۰۲- گزینه (۲) مفهوم بیت سؤال این است که کسی که به مردم نیکی

کند، در هر دو جهان نیکی می‌بیند. در گزینه (۲) نیز شاعر می‌فرماید: دلیل آن که

تو از خدا نیکویی خواهی دید این است که مردم جهان از تو نیکی دیده‌اند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): برای شکر این نعمت که به کسی نیازمند نیستی، نیاز دیگران

را بر آورده کن.

گزینه (۳): اگر خدا به سرزمینی عنایت کند، فرماندهی مهربان بر آنان

قرار می‌دهد.

گزینه (۴): در همه حال به یاد خدا بودن

۱۰۳- گزینه (۴) مفهوم ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) با هم در

تقابل اند ولی گزینه (۴) این گونه نیست و هر دو بیت هم مفهوم هستند.

مفهوم ابیات هر یک از گزینه‌ها:

گزینه (۱): «الف»: خدا روزی همگان را بدون زحمت و تلاش می‌رساند.

«ب»: خدا روزی کسی را بدون زحمت و تلاش نمی‌رساند.

گزینه (۲): «الف»: تکیه کردن بر زور بازو و تلاش و کوشش خود

«ب»: روزی با توکل می‌رسد و تلاش و کوشش آن را کم می‌کند.

گزینه (۳): «الف»: رزق و روزی بدون تلاش می‌رسد.

«ب»: رزق و روزی بدون تلاش نمی‌رسد.

گزینه (۴): «الف»: دست از تلاش و کوشش برداشتن و تکیه کردن بر

رزقیت خدا / روزی هر کس مقدر است.

«ب»: روزی مقدر است.

۱۰۴- گزینه (۳) در بیت سؤال مفهوم اصلی این است که معیار

دوستی، روزگار سختی است. در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نیز سخن از

فراموش نکردن دوستی در هنگام سختی و مشکلات است و این که ملاک

دوستی واقعی روز بلاست. اما در گزینه (۳) سخن از این است که هر چه

کنی به خودت بازمی‌گردد.

۱۰۵- گزینه (۱) در بیت سؤال مولوی می‌فرماید: جمال خداوند در

آینه دل تجلی می‌کند. در گزینه (۱) هم صحبت از آینه بودن دل است و

این که دل قابلیت این را دارد که جلوه‌گاه صورت بی‌منت‌های خداوند باشد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): دل اگر پاک باشد درست و نادرست را تشخیص می‌دهد.

گزینه (۳): دل اگر از تعلقات (هر چه غیر خدا) پاک شود ارزش می‌یابد.

گزینه (۴): خداوند به باطن انسان‌ها نظر می‌کند نه به ظاهرشان.

۱۰۶- گزینه «۲» در بیت سؤال صحبت از این است که **افتخار و شرافتی که از جانب انسان پست برسد عین ننگ است**. در گزینه (۲) هم شاعر توصیه می‌کند بخشش و نوازشی را که از جانب دشمن و یا انسان فرومایه می‌رسد عین ذلت بدانیم. مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): هنگام توانمندی و شادی اول به دیگران توجه کردن  
گزینه (۳): انسان کم‌سخن را حقیر ندانستن (کم‌گویی نشان خردمندی است).  
گزینه (۴): حکومتی که بر پایه عدالت نباشد سبب نابودی و هلاکت است.  
۱۰۷- گزینه «۱» مفهوم مشترک ابیات این سؤال این است که **صبر کردن بر سختی‌ها یا دوام و ثبات در کاری، کلید کامیابی است**. در گزینه (۲) صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. در گزینه (۳) شاعر می‌گوید کسی که مشتاق وصال است باید صبری تمام داشته باشد، زیرا کسی به کام نخواهد رسید مگر با تحمل کردن رنج و سختی. در گزینه (۴) نیز شاعر مانند گزینه (۳) معتقد است برای کامیابی در عشق تحمل سختی لازم است، همان‌طور که بدون صبر کردن بر زمستان، بهار نمی‌آید؛ اما مفهوم گزینه (۱) این است: **منشأ شادی و غم عاشقان، این جهانی نیست**.

۱۰۸- گزینه «۴» سفارش بیت سؤال **پرهیز از نصیحت کردن عاشق** است که در گزینه (۴) هم این مفهوم به خوبی دیده می‌شود. مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): از دست رفتن عقل و هوش با دیدن یار  
گزینه (۲): ناتوانی عاشق از دوری کردن از معشوق  
گزینه (۳): سخن عاشق را فقط عاشق درک می‌کند.

۱۰۹- گزینه «۲» در بیت صورت سؤال سعدی می‌فرماید اگرچه روزی هر کسی قطعاً می‌رسد، عقل حکم می‌کند که انسان به دنبال کسب روزی باشد؛ پس مفهوم نهایی بیت می‌شود **ضرورت کسب روزی**. در گزینه (۲) نیز همین توصیه به کسب روزی دیده می‌شود و شاعر معتقد است روزی مورچه با همه ناتوانی به حرکت و تلاش او بستگی دارد. مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): کسی که به درگاه خدا روی نیاز می‌آورد، باید غرور را از سرش به در کند (ضرورت ترک غرور برای کسی که از درگاه خدا روزی می‌طلبد).  
گزینه (۳): روزی نادان بیش از حد وی است.

گزینه (۴): **روزی‌رسانی خداوند**  
۱۱۰- گزینه «۲» مفهوم مثل صورت مشخص است: **رزق و روزی از طرف خداوند است؛ اما انسان نیز باید تلاش کند**. در گزینه (۲) نیز شاعر، سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی را به شیر مکیدن کودک تشبیه کرده است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): **کم‌روزی بودن اهل دانش**  
گزینه (۳): **حریص‌تر بودن انسان‌های پیر**  
گزینه (۴): **رزق و روزی نیاز به تلاش ندارد (مفهوم مقابل «از تو حرکت، از خدا برکت»)**.

۱۱۱- گزینه «۲» در عبارت سؤال سخن از این است که **همت و غیرت از زور بازو کارسازتر است**. در گزینه (۲) نیز شاعر بین ظاهر و نیروی بدنی و همت بلند و کمال‌طلبی مقایسه انجام داده است و معتقد است به جای ظاهر او باید به نیت بلند او توجه شود.



تاریخ ادبیات



و  
گوشته‌های

وحشی بافقی: فرهاد و شیرین (لطف خدا)<sup>۱</sup> (نظم درقالب شوی)

(نثر)	ابوالفضل بیهقی: تاریخ بیهقی (قاضی بُست)	(نظم درقالب شوی)	سعدی: بوستان (نیکی)
(نظم درقالب شوی)	جامی: تَحْفَةُ الاحرار (زاغ و کبک)	(نثر)	جامی: بهارستان (همت)
<b>نکات دانش درس و قلمروها</b>			
<b>ویژگی های نثر بیهقی: دقت و صداقت در بیان - استواری و پختگی در نگارش - توصیفات گیرا و دقیق - ذکر دقیق جزئیات</b>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب صائب</li> <li>گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار اوحدی</li> <li>کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست سعدی</li> <li>شرط عقل است جُستن از درها سعدی</li> <li>کشیده سر به بام خسته جانی</li> <li>به هارت خوش که فکر دیگرانی فریدون مشیری</li> <li>نباید جز به خود محتاج بودن پروین اعتصامی</li> <li>میفکن به روز جزا کار خود را صائب تبریزی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>معیار دوستان دَغَل روز حاجت است</li> <li>فخری که از وسیلت دون هممتی رسد</li> <li>با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی</li> <li>رزق هر چند بی گمان برسد</li> <li>سحر دیدم درخت ارغوانی</li> <li>به گوش ارغوان آهسته گفتم:</li> <li>چه در کار و چه در کارآزمودن</li> <li>حساب خود این جا کن، آسوده دل شو</li> </ul>		

(نثر - زندگی نامه)	مجید واعظی: عباس میرزا، آغازگری تنها	(نظم درقالب چهارپاره)	مهدی حمیدی شیرازی: (در امواج سند)
(نثر - خاطره نویسی)	کامور بخشایش: زندان موصل: خاطرات اسیر آزادشده، اصغر رباط جزئی (تا غزل بعد ...)	(نثر - سراسر نظم)	سعدی: گلستان (چو سرو باش)
<ul style="list-style-type: none"> <li>تا در این ره چه کند همت مردانه ما رهی معیری</li> <li>فرزند خصال خویشتن باش نظامی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>در ره عشق وطن از سر جان خاسته ایم</li> <li>چون شیر به خود سپه شکن باش</li> </ul>		

(نثر)	نجم الدین رازی (معروف به دایه): مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد (باران محبت)	(نظم درقالب شوی)	نظامی گنجهای: لیلی و مجنون (پرورده عشق)
(نظم درقالب غزل)	جلال الدین محمد مولوی: غزلیات شمس (آفتاب حُسن)	(نثر)	عطار نیشابوری: تذکرة الاولیا (مردان واقعی)
<ul style="list-style-type: none"> <li>عاقلش با کار بیکاران چه کار؟ نعمت الله ولی</li> <li>روز اول رنگ این ویرانه ویران ریختند بیدل</li> <li>بگذار که دل حل بکند مسئله ها را محمد علی بهمنی</li> <li>در حضرت کریم تمنا چه حاجت است حافظ</li> <li>تا ز تو دلپذیر شد هستی ناگزیر من حسین منزوی</li> <li>هر که را در جان، غم جانانه نیست خواجهی کرمانی</li> <li>دیو آدم را نبیند غیر طین مولوی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>عشق بازی کار بیکاران بود</li> <li>از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق</li> <li>یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش</li> <li>ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست</li> <li>ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من</li> <li>نیست جاننش محرم اسرار عشق</li> <li>تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین</li> </ul>		

۱. اسم درس های کتاب را داخل پرانتز آورده ایم. نه برای این که آن ها را حفظ کنید؛ بلکه به این منظور که به چشمتان بخورد.

## سؤالات

- ۱۱۷۲- کتاب «فرهاد و شیرین» سروده کیست؟  
 (۱) نظامی (۲) عطار (۳) وحشی بافقی (۴) سعدی شیرازی
- ۱۱۷۳- کتاب‌های «بهارستان» و «تحفة الاحرار» را به ترتیب ..... و ..... پدید آورده و قالب آن‌ها به ترتیب ..... و ..... است.  
 (۱) جامی - سنایی - نثر - نظم (۲) سنایی - جامی - نظم - نثر  
 (۳) سنایی - سنایی - نظم - نثر (۴) جامی - جامی - نثر - نظم
- ۱۱۷۴- کدام مورد از ویژگی‌های «تاریخ بیهقی» نیست؟  
 (۱) توصیف دقیق صحنه‌ها (۲) صداقت در کلام  
 (۳) رعایت ایجاز در مباحث مختلف (۴) ذکر دقیق جزئیات و حالات
- ۱۱۷۵- کدام کتاب اثر «سنایی» است؟  
 (۱) الهی‌نامه (۲) منطق‌الطیر (۳) تحفة الاحرار (۴) بهارستان
- ۱۱۷۶- کدام اثر منظوم نیست؟  
 (۱) منطق‌الطیر (۲) الهی‌نامه (۳) تحفة الاحرار (۴) اسرارالتوحید
- ۱۱۷۷- نام پدیدآورندگان آثار «اسرارالتوحید - اسرارنامه - روزها» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
 (۱) جامی - عطار - بدیع‌الزمان فروزانفر (۲) محمّدبن منقّر - عطار - محمّدعلی اسلامی ندوشن  
 (۳) جامی - سنایی - جلال متینی (۴) محمّدبن منقّر - سنایی - بدیع‌الزمان فروزانفر
- ۱۱۷۸- «مولانا جلال‌الدین محمّد» با کدام یک از بزرگان زیر دیدار نکرده است؟  
 (۱) عطار (۲) سنایی (۳) سعدی (۴) عراقی
- ۱۱۷۹- کدام گزینه در مورد «مولانا»، کاملاً درست است؟  
 (۱) جلال‌الدین محمّد مشهور به مولانا اوایل قرن هفتم در شهر بلخ به دنیا آمد و در همان شهر نیز از دنیا رفت.  
 (۲) وقتی پدرش به سبب حمله مغول و رنجش از خوارزمشاه ناچار از بلخ مهاجرت کرد، او پنج شش سال بیشتر نداشت.  
 (۳) حدوداً بیست و چهار ساله بود که با شمس تبریزی ملاقات کرد. پیر و مرشدی را که سال‌ها در جست‌وجویش بود یافته بود. در برابرش زانو زد و نوآموز گشت.  
 (۴) مولانا بعد از پدر، به تربیت و ارشاد مشتاقان معرفت مشغول بود و قبل از دیدار با شمس به درخواست حسام‌الدین چلبی، مثنوی معنوی را به انجام رسانید.
- ۱۱۸۰- وقتی ..... از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز ..... سنایی یا ..... عطار به نظم آرد، مولانا بی‌درنگ از دستار خود کاغذی که مشتمل بود بر هجده بیت آغازین مثنوی، بیرون آورد.  
 (۱) صلاح‌الدین زرکوب - اسرارنامه - الهی‌نامه (۲) حسام‌الدین چلبی - الهی‌نامه - منطق‌الطیر  
 (۳) صلاح‌الدین زرکوب - الهی‌نامه - منطق‌الطیر (۴) حسام‌الدین چلبی - اسرارنامه - منطق‌الطیر
- ۱۱۸۱- کدام گزینه درست معرفی نشده است؟  
 (۱) شمس تبریزی: از مردم تبریز بود. برای کسب علوم و معارف بسیار مسافرت کرد و از مشایخ فراوان بهره برد. او را «شمس پرنده» می‌گفتند.  
 (۲) اسرارنامه: کتابی است اثر عطار نیشابوری که آن را وقتی مولوی به همراه پدرش به دیدار او رفته بودند به مولوی نوجوان هدیه کرد.  
 (۳) سلطان ولد: فرزند جلال‌الدین مولوی است. وقتی شمس برای بار اول از قونیه رفت، پس از آن که مولوی، محلّ او را یافت این فرزند را با غزل «بروید ای حریفان...» به طلب شمس روانه دمشق کرد.  
 (۴) محمّدبن حسین خطیبی: پدر جلال‌الدین مولوی است که به بهاء‌الدین ولد شهرت داشت و از تجار بزرگ بلخ بود که به دلیل رنجش از خوارزمشاه و هراس از حمله مغول ناچار به مهاجرت از بلخ شد.
- ۱۱۸۲- کدام کتاب اثر منشور عطار نیشابوری است؟  
 (۱) اسرارنامه (۲) اسرارالتوحید (۳) منطق‌الطیر (۴) تذکرةالاولیا
- ۱۱۸۳- نام پدیدآورندگان آثار «لیلی و مجنون - مرصادالعباد - غزلیات شمس - بهارستان» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
 (۱) نظامی - سنایی - مولوی - جامی (۲) نظامی - نجم‌دایه - مولوی - جامی  
 (۳) وحشی بافقی - سنایی - شمس تبریزی - عطار (۴) وحشی بافقی - نجم‌رازی - شمس تبریزی - عطار

۱۱۷۲- گزینه ۳» مثنوی «فرهاد و شیرین» سروده وحشی بافقی است و «خسرو و شیرین» را نظامی سروده است.

۱۱۷۳- گزینه ۴» هر دو کتاب اثر جامی هستند. بهارستان نثر (آمیخته با نظم) است و تحفة الاحرار نظم و در قالب مثنوی است.

۱۱۷۴- گزینه ۳» بیهقی هر جا که سخن محتاج اطناب است، به تفصیل سخن گفته و آنجا که نیاز به شرح و بسط نبوده در عین کمال ایجاز، حق مطلب را ادا کرده است.

۱۱۷۵- گزینه ۱» «الهی نامه» که نام دیگر کتاب «حدیقة الحقیقه» است سروده سنایی غزنوی است. منطق الطیر اثر عطار و تحفة الاحرار و بهارستان آثار جامی هستند. البته حتماً از سال گذشته به یاد دارید که عطار نیشابوری نیز، اثری به نام «الهی نامه» دارد.

۱۱۷۶- گزینه ۴» هر سه کتاب دیگر، در قالب مثنوی سروده شده‌اند.

۱۱۷۷- گزینه ۲» «اسرار التوحید» اثر محمدبن منور است که در شرح احوالات ابوسعید ابوالخیر نوشته شده است. «اسرارنامه» سروده عطار در قالب مثنوی است و «روزها» به قلم محمدعلی اسلامی ندوشن و با موضوع حسب حال نوشته شده است.

۱۱۷۸- گزینه ۲» مولوی در کودکی به همراه پدر به دیدار عطار رفت؛ این دیدار قبل از حمله مغول که عطار در خلال آن کشته شد، صورت گرفته است. طبق متن درس، مولوی با سعدی و عراقی هم ملاقات کرده است.

۱۱۷۹- گزینه ۲» گزینه ۲) کاملاً درست است. موارد نادرست هر کدام از گزینه‌ها:

گزینه ۱): مولانا در شهر بلخ به دنیا آمد ولی در شهر قونیه از دنیا رفت.  
گزینه ۳): مولوی وقتی حدوداً سی و هشت ساله بود با شمس ملاقات کرد.  
گزینه ۴): سرایش مثنوی تا آخر عمر مولانا ادامه داشته و قبل از دیدار با شمس به انجام نرسیده است.

۱۱۸۰- گزینه ۲» مولانا مثنوی را به درخواست حسام‌الدین چلبی و به طرز دو مثنوی عرفانی پیش از خود، الهی نامه (حدیقة الحقیقه) سنایی و منطق الطیر عطار سرود.

۱۱۸۱- گزینه ۴» پدر مولوی از دانشمندان بلخ بود نه از تجار. سایر مطالب همگی درست هستند.

۱۱۸۲- گزینه ۴» گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) از آثار عطار هستند؛ ولی تنها تذکرة الاولیا به نثر است و دو اثر دیگر منظوم‌اند. کتاب اسرار التوحید هم نوشته محمدبن منور است.

۱۱۸۳- گزینه ۲»